فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هشتم، شماره ۱۹، بهار ۱٤۰۱، ص۲۷۳- ۳۰٦

توانمند سازی کنوانسیون های زیست محیطی در گستره اکوسیستم های آبی از منظر حقوق بین‌الملل محیط زیست[1]

روح انگیز کیانی[2]

سارا پورعظیم[3]

چکیده

موضوع محیط زیست تا چند سال پیش، در سازمان ملل هیچ جایی نداشت. نظام جهانی و ملل متحد تنها از دهه ۷۰ به دنبال رشد و گسترش فن‌آوری و ایجاد هزاران صنایع بزرگ و کوچک، ساختارهایی را در این خصوص به وجود آورده است. از سویی دیگر محیط زیست با ایجاد کشوهای جهان سوم در عرصه بین‌الملل و عدم توجه آنها به حفظ آن، اولین اقدامات را در این خصوص انجام داد.حقوق بین الملل تلاش کرده است تا با تدوین قوانین و مقررات بین المللی ، دولتها را پایبند به حفاظت از محیط زیست نماید. در همین راستا می توان « بین المللی کردن حفاظت محیط زیست » را به عنوان یک رهیافت نوین در حقوق بین الملل معاصر به شمار آورد. در این رهیافت با تکیه بر دو پایه سازمانها و ارگانهای بین المللی از یک طرف و قواعد و مقررات بین المللی از طرف دیگر تلاش می کند تا مسأله حفظ محیط زیست را به عنوان یک ارزش مشترک بشریت مورد شناسایی قرار دهد تدوین و تصویب " راهبرد ملی توسعه پایدار" در کلیه کشورها موضوعی است که بر ضرورت آن از سال ۱۹۹۲ در کنفرانس بین المللی محیط زیست و توسعه در برزیل تا کنون همواره تأکید شده است. در واقع دغدغه اصلی این پژوهش پاسخ به این سوال است توانمند سازی کنوانسیون های زیست محیطی در گستره اکوسیستم های ابی از منظر حقوق بین الملل محیط زیست چگونه است ؟ چه اصول حقوقی در قلب کنوانسیون ها و معاهدات بین المللی زیست محیطی، بیش از همه مورد توجه مراجع صلاحیتدار دولتها می باشند؟ یافته های پژوهش تاکید گر این فرضیه است مدیریت یکپارچه اکوسیستم های آبی برای بهره برداری پایدار از منابع زیستی، نیازمند توانمندسازی کنوانسیون های زیست محیطی می باشد. رشد بالقوه و بلند مدت اقتصاد ملی کشورها در گستره اکوسیستم های آبی، نیازمند حفاظت از منابع زیستی است که با ابزارهای حقوقی ملی و بین المللی تقویت می شود.

کلید واژه ها : حقوق بین الملل، محیط زیست، کنوانسیون.

---

[1] - تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۹

[2] - کارشناسی ارشد حقوق بین الملل.

[3]- کارشناسی ارشد حقوق خصوصی.

مقدمه

حقوق بین الملل عمومی جنبه هایی از حفاظت محیط زیست یافت، اما ظهور حقوق بین الملل محیط زیست به عنوان شاخه ای از این رشته نسبتا جدید است. جرقه های نخست این شاخه حقوقی در کنفرانس ۱۹۷۲ استکهلم و با پذیرش بیانیه این کنفرانس زده شد. این بیانیه با اینکه جنبه الزام آور حقوقی ندارد، اما اصول مهمی را که امروزه زیر بنای حقوق بین الملل محیط زیست است، بیان می دارد. یکی دیگر از خصوصیات حقوق بین الملل محیط زیست این است که اساس این حقوق بر پایه حقوق نرم بنا گردید است. حقوقی که بر بیانیه ها، اعلامیه ها، اصول اجرایی و... مبتنی گردیده و ضمانت اجرای حقوقی محکمی ندارد. در عین حال حقوق بین الملل محیط زیست به تدریج به سمت حقوق سخت پیش رفته است و در حال حاضر می توان بخشی از آن را در مجموعه های حقوقی بین المللی یافت. بر این اساس، «مسئولیت» در حقوق بین الملل محیط زیست براساس «مسئولیت نرم» شکل گرفته است. با اینکه به طور سنتی می توان متون حقوقی زیادی درباره «مسئولیت سخت» در حقوق بین الملل محیط زیست مشاهده کرد که از جمله می توان به «مسئولیت بین المللی آلودگی فرامرزی» اشاره کرد، ولی حقوق بین الملل محیط زیست در تلاش است تا یک نوع مسئولیت مدنی که مبتنی بر «جبران خسارت» باشد را به رسمیت بشناسد. این نوع مسئولیت به عنوان یک مسئولیت ناشی از «خطا» شناخته می شود، نه مسئولیت ناشی از «فعل یا ترک فعل» که عنصر «جرم» معرف آن است. تکنیک های حقوقی به کار رفته در این شاخه حقوقی نیز یکی از ویژگی های منحصر به فرد حقوق بین الملل است. از یک طرف حقوق بین الملل محیط زیست بر اساس اصول خیلی کلی حقوقی که در بیانیه ها و اعلامیه ها مورد پذیرش قرار گرفته است، بنا شده است و از طرف دیگر با بهره گیری از تکنیک حقوقی «کنوانسیون – پروتکل» به طور جزئی، دقیق و مشخص نسبت به حفاظت محیط زیستی منطقه یا بخشی خاص تنظیم می شود. تکنیک حقوقی «کنوانسیون– پروتکل» تکنیکی است که مختص به یک بخش یا منطقه ویژه ای است و کمتر قابل انتقال به بخش و یا مناطق دیگر است. با توجه به ویژگی های حقوق نرم و مسئولیت نرم، بازیگران نرم نیز در حقوق بین الملل محیط زیست در حال شکل گیری و گسترش است.

۱ـ مفاهیم

۱ـ۱ـ انواع محیط زیست

دانشمندان و کارشناسان محیط زیست معتقدند که محیط زیست به دو بخش تقسیم می شود :

۱ـ۲ـ محیط زیست طبیعی

به آن بخش از محیط زیست اطلاق می گردد که در تشکل آن بشر نقشی نداشته ، بلکه از موهبت های خدادادی است و شامل جنگل ها ، مراتع ، کوه ها ، دشت ها ، رودخانه ها ، دریاها ، باتلاق ها ، چشم اندازها و غیره می شود . عوامل تشکیل دهنده محیط زیست طبیعی ، شامل عوامل جاندار (گیاهان و جانوران) و عوامل بی جان (خاک ، آب و هوا) می باشد .

۱ـ۳ـ محیط زیست انسانی

محیط زیست انسانی یا به عبارتی محیط زیست انسان ساخت ، به آن بخش از محیط زیست اطلاق می گردد که به دست بشر ساخته شده و زاییده تفکر او می با شد . محیط زیست انسانی شامل تمام محیط هایی ا ست که انسان بخشی از زندگانی و حیات خود را در آنها می گذراند ؛ مانند محیط شهری و محیط کار . حقوق محیط زیست انسانی شامل آن دسته از قواعد و مقرراتی است که از حیات فرد در این محیط ها حمایت و حفاظت می کند و چون مشکلات و مسائلی که ممکن است در این محیط ها برای حیات فرد به وجود آید به انواع آلودگی ها مربوط می شود ، حقوق محیط زیست انسانی در بردارنده قواعد و قوانین لازم برای مقابله با آلودگی هاست .

۲ـ تاریخچه مسائل محیط زیست و تحول حقوق محیط زیست بین المللی

۲ـ ۱ـ دوران تسلط طبیعت بر انسان (انسان پیش از عصر نوسنگی)

انسان اولیه بدون ابزار شکار در مقابل حیوانات عظیم‌الجثه کاملاً ناتوان بود، از اینرو غذای خود را نه از طریق شکار، بلکه از طریق جمع‌آوری میوه و صید جانوران کوچک تأمین می‌نمود. در این زمان انسان هنوز در بطن طبیعت می‌زیست و نحوه زندگی و تأثیرگذاری او بر محیط با سایر جانوران چندان تفاوتی نداشت. به دیگر بیان دخالت‌های انسان در طبیعت از محدوده تأثیر قدرت ترمیم‌پذیری طبیعت فراتر نمی‌رفت و لذا هر خلایی که در نتیجه برداشت‌های او از طبیعت پدید می‌آمد، به زودی در نتیجه عملکرد نیروهای طبیعی رفع می‌شد.

گفته می‌شود که رئیس یکی از قبایل بومی مهم آمریکا به نام اسموهالا در پاسخ به پیشنهاد سفیدپوستان درباره‌ی اینکه مردم او بایستی زمین خود را برای استخراج معدن و کشاورزی مورد استفاده قرار دهند چنین اظهار داشته:«آیا من باید زیر پوست مادر زمین را برای یافتن استخوانها بکنم؟ پس هنگامی که می‌میرم نمی توانم به بدن او وارد شوم تا بار دیگر متولد گردم. آیا از من می‌خواهید که همچون مردان سفیدپوست علف‌ها را قطع کنم، خشک کنم، بروشم و ثروتمند شوم؟ چگونه جرأت می‌کنم که موی مادر خود را ببرم» (میرحیدر ۱۳۹۲، ۵).

این دوره دربرگیرنده عصری است که در آن بشر کاملاً مقهور طبیعت بوده و قادر نبوده است دخل و تصرفی در طبیعت انجام دهد. این دوره که با پیدایش و آفرینش انسان شروع می‌شود خود به چند مرحله تقسیم می‌شود مانند مرحله غارنشینی، مرحله روستا نشینی، مرحله ایجاد شهرهای کوچک و بزرگ و مرحله به وجود آمدن تمدن‌های نخستین. گرچه مرحله اخیر با ایجاد کارابزارهای پیشرفته‌تر نسبت به قبل هم‌زمان بوده است و در نتیجه با تصرفات بیشتری در طبیعت همراه بوده است، اما این تصرفات به تخریب محیط زیست منجر نشد. به بیان دیگر، می‌توان گفت، اگر در این دوره بشر تصرفی جزیی هم در محیط زیست داشته است، این تصرف برای محیط زیست ضرری نداشته و طبیعت به راحتی این تصرفات را تحمل، جبران و بازسازی کرده است به طوری که می‌توان گفت، در این دوره محیط زیست به صورت بکر و دست نخورده باقی مانده بود .

۲ـــ ۲ـ دوران تسلط انسان بر طبیعت

در مقایسه با دوره اول، این دوره از زندگی انسان را شاید بتوان دوران غلبه و تسلط انسان بر محیط زیست دانست. حدود یک قرن پیش گویا انسان به اسرار طبیعت دست یافت و هر روز با اختراع و اکتشافی جدید راه‌های مهار طبیعت و غلبه بر آن را آموخت. این دوره عصر ایجاد تمدن‌های صنعتی است. با دستیابی بشر به صنعت ماشینی و به وجود آوردن کارخانه‌های کوچک و بزرگ، رابطه خود را با طبیعت متحول کرد به این صورت که برای افزایش تولید، منابع بیشتری را مورد بهره‌برداری قرار داد و در نتیجه صدمات بیشتری به طبیعت وارد کرد و در اثر این امر، طبیعت رو به تخریب و نابودی گذاشت. در این دوره بشر مقهور طبیعت این امکان را یافت که با تصرفات بی‌رویه تعامل اکولوژیک طبیعت را بر هم زده و علاوه بر تخریب محیط زیست، آلودگی آن را موجب شود. رفتار او در این دوره به گونه‌ای بود که انسان فکر می‌کرد که مالک زمین است، نه ساکن آن. لذا پیشرفت خود را، پیروزی بر جهان به حساب آورد به طوری که این پیروزی، تخریب بخش‌هایی از محیط زیست و طبیعت را در پی داشته است (میرحیدر ۱۳۹۲، ۶-۵).

شدت این تخریب و آلودگی زیست‌محیطی برای طبیعت غیرقابل تحمل، غیرقابل جبران و غیرقابل بازسازی بود. انواع آلودگی‌های آب، خاک، هوا، صوت، شیمیایی، هسته‌ای، دریایی، آثار زیانباری را بر انسان و محیط زیست داشته است، به صورتی که در طی سال‌های اخیر به صورت بحرانی بزرگ درآمد و زنگ خطر را به صدا درآورد.

در پایان قرون وسطی در جوامع سرمایه‌داری نوپا در غرب تفسیر کاملاً متفاوتی ظهور کرد که در آن انسان خود را دارای سلطه‌ی کامل بر طبیعت می‌انگاشت. از سوی دیگر نمی توان انکار کرد که انسان صنعتی در غرب از همان زمان که درصدد دستیابی به نوعی سلطه بر طبیعت بود طرفداری از حفظ محیط زیست را نیز در برنامه‌ریزی‌های خود ملحوظ داشت. چنین استدلال می‌شد که ضمن آن که انسانها نظارت خود را بر طبیعت اعمال می‌کنند، مسئول پیامدهای اعمال خویش نیز هستند و درست در مرحله‌ی نخستین چنین برداشتی بود که دولت‌ها، دست به کار قبول مسئولیت در برخورد با مسائل زیست‌محیطی شدند. در انگلستان به عنوان نمونه، در اوایل قرن چهاردهم در راستای مبارزه با آلودگی هوای

شهری دولت انگلیس یکی از اهالی شهر لندن را به دلیل ایجاد دود فراوان از طریق سوزاندن زغال سنگ اعدام کرد و این نشان داد که دولت وظایف زیست‌محیطی خود را بسیار جدی گرفته است (نصری مشکینی ۱۳۹۷، ۷۱).

مروری بر حوادث یک قرن اخیر عمق این فاجعه را بیشتر نمایان می‌کند، اگرچه دسترسی انسانها به تکنولوژی‌های پیشرفته، زندگی را برای انسانها راحت‌تر کرده است اما استفاده نابجا و بی‌رویه از آن، عوارض مرگباری را نیز در پی داشته است. کشف بسیاری از عناصر جدید برای مبارزه با بیماری‌ها و آفات، باعث ورود آنها به چرخه غذایی انسان نیز شده است و خود باعث به وجود آمدن بیماری‌ها و عوارض ناشناخته شده است. برای مثال اثر بعضی از آفت‌کشها همچون د. د. ت و آلدرین تا ۱۵ سال در محیط پایدار می‌ماند که همین امر باعث می‌شود به تدریج این عناصر وارد چرخه غذایی انسان شوند.

در این دوره، کشف و استخراج بی‌رویه منابع طبیعی، همچون انرژی‌های فسیلی، علاوه بر این که حقوق نسل‌های آینده را به مخاطره انداخت، باعث آلودگی فراوان آب، خاک، هوا و دریا شد. ورود گاز کربنیک یا دی اکسید کربنیک، منو اکسید کربن، در اثر سوخت‌های فسیلی به محیط زیست، ریزش بیش از پیش فضولات کارخانه‌ها و سموم مختلف در رودخانه‌ها، غرق نفتکش‌های غول‌پیکر و وارد شدن مواد نفتی و آلاینده‌های دیگر به دریا، سوانح و رخدادهای هسته‌ای، جنگ‌های اتمی، سوانح شیمیایی، استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ‌ها، استفاده از محیط زیست به عنوان ابزار جنگی، گرم شده کره زمین، تخریب لایه ازن، تغییرات آب و هوایی، بارانهای اسیدی، انفجار جمعیت، نابودی جنگل‌ها و گونه‌های نادر گیاهی و جانوری همه و همه به یک فاجعه زیست‌محیطی بدل شد که آینده تنها کره مسکون را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است.

در همه‌ی این امور ابتدا به نظر می‌رسید که دولت وسیله‌ی مناسبی برای اعمال سیاست‌های حفظ محیط زیست است ولی بعداً مشخص شد که دغدغه‌ی دولت‌ها چه در کشورهای پیشرفته و چه در کشورهای در حال توسعه برای ارتقای رشد اقتصادی همان افزایش رشدی که علت اصلی بیشتر آسیب‌های زیست‌محیطی است خود مانع از ایفای نقش مناسب آنهاست. به علاوه، ارتباط اکثر دولت‌ها با پیشرفت‌هایی که در مقیاس ملی صورت می‌گیرد و شامل توسعه شبکه‌های حمل و نقل، توانایی‌های نظامی و سیستم‌های تولید انرژی است و اعمال برخی سیاست‌ها که از نظر حکومت به منظور صیانت از حاکمیت ملی صورت می‌گیرد می‌توانند خطر محرزی برای جامعه ملی باشند. گذشته از آن سیاست دولت‌ها در دموکراسی‌های غربی نظیر ایالات متحده و یا انگلستان آشکار می‌سازد که هدف اصلی دولت تضمین پیروزی مجدد در انتخابات است. در نتیجه دولت‌ها تمایل دارند که نگرانی‌های درازمدت مربوط به خیر عمومی را نادیده گرفته و سیاست‌هایی را ترجیح دهند که در کوتاه‌مدت به نتیجه می‌رسند (رضایی ۱۳۹۸، ۵۰).

بنابراین برنامه‌های حیاتی نظیر برنامه‌هایی برای کاهش مصرف سوخت یا توقف ورود گازهای حاصل از موتورهای درون‌سوز به جو زمین که هزینه‌هایی را به رأی‌دهندگان تحمیل می‌کنند کنار گذاشته می‌شوند. ظهور گروه‌هایی همچون صلح سبز که اعضای بسیاری داشته و به طور اصولی از محیط زیست دفاع می‌کنند و جنبش «دوستان زمین» و بالاخره گروه‌های فشار زیست‌محیطی که در پی اعمال اختیارات رسمی دولت نیستند و با هدف تأثیرگذاری بر روند سیاست‌گذاری به وجود می‌آیند در کشورهای مختلف ابزار مناسب‌تری برای حفظ محیط زیست به شمار می‌آیند. پارادایم سبز جامعه‌ی انسانی را یک اکوسیستم تلقی می‌کند که بخشی از یک نظام بزرگتر را تشکیل می‌دهد و این طرز تفکر را که زمین مجموعه‌ای از منابع در دسترس انسانهاست که هر گونه که مایلند می‌توانند آن را به مصرف برسانند رد می‌کند. به نظر آنها فعالیت‌ها زمانی خوب تلقی می‌شوند که در جهت ثبات و انسجام آن نظام باشند نه تخریب آن .

۲ـ ۳ـ دوران همگرایی و تعامل انسان و طبیعت

اگرچه اولین تلاش‌های حقوقی و سیاسی در سطح بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست به اوایل قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم و طرح مباحث مربوط به حمایت از حقوق بشر، قواعد مربوط به منافع مشترک بشریت بازمی گردد، ولی حقوق بین‌الملل محیط زیست همچون حقوق محیط زیست رشته‌ای بسیار جوان است و رشد واقعی آن از دهه‌ی ۱۹۶۰ آغاز گردیده است و از این زمان به بعد تحول حقوق محیط زیست در حقوق داخلی و بین‌المللی به موازات یکدیگر صورت گرفته است (تقی زاده انصاری و دیگران ۱۳۸۹، ۱۳).

به طور کلی، سده‌ی بیستم شاهد سیر تکاملی حقوق بین‌الملل بود؛ گرچه در این سده نیز جهان در آتش جنگ‌ها و کشمکش‌های گوناگون می‌سوخت، اما با عقد قراردادها و کنوانسیون‌های گوناگون، سعی می‌شد که همکاری‌های بین‌المللی در بسیاری از زمینه‌ها تجلی یابد. محور یکی از این همکاری‌ها، مسأله‌ی حقوق بشر است و صدور اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در نیمه‌ی نخست سده‌ی بیستم و پس از پایان جنگ جهانی دوم را می‌توان سرآغاز همکاری‌های بین‌المللی در این زمینه دانست. نگرش اصلی و تأکید عمده‌ی این اعلامیه‌ی مهم و جهانی بر حقوق مدنی و سیاسی بود که پس از تحولات نیمه‌ی دوم همان سده، به نوشته شدن دو میثاق انجامید؛ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و نیز میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی که به ترتیب نسل اول و نسل دوم حقوق بشر نام گرفتند (سیم بر، ۱۳۹۳، ۱۰۲).

بحث داغ محیط زیست در دهه ۱۹۶۰، نتیجه گرد هم آمدن چند عامل و به ویژه تعدادی عوامل روانی به شرح زیر بود. الف) تابش‌های اتمی و خطری که از این جهت می‌توانست متوجه طبیعت و جانداران باشد، بسیار نگرانی‌آور بود. ب) تجزیه‌ناپذیری سم‌های کشاورزی و مواد دفع آفات، تهدیدی جدی به زیان طبیعت قلمداد می‌شد. پ) مجموعه داستانهای وحشت‌آور راشل کارسن و مخصوصاً داستان بهار خاموش بسیاری از مردم را عمیقاً تکان داد. ت) خبرهای مربوط به مرگ و نابودی دریاچه‌ی اری، بزرگترین دریاچه آمریکا ج) غرق شدن کشتی نفتکش توری کانیون، نشت نفت در آب‌های اقیانوس و تأثیر ناگواری که بر زندگی جانوران دریایی گذاشت. د) انتشار خبر ارقام هراس‌انگیز رشد بی‌رویه‌ی جمعیت و گفتگو از دشواری‌های افزایش جمعیت.ه) انتشار کتاب‌های جدید و مستند درباره بحرانهای محیط زیست: مانند کتاب «فضا و زمین» نوشته کنت باولدینگ (آذرنگ ۱۳۹۴، ۵).

در این دوره بشر به علایم تهدید کننده‌ای که حیات را در این سیاره به خطر انداخته بود، پی برد و دریافت که برای نابودی حیات و زندگی در کره زمین، دیگر احتیاجی به برخوردهای نظامی و به کارگیری سلاح‌های مخرب غیر متعارف که آثار تخریبی گسترده دارند، نیست. بلکه اگر شیوه زندگی و روش‌های تولید و مصرف را تغییر ندهند، به همان اندازه یا بیشتر، نابودی را به دنبال خواهد داشت. با توجه به موارد فوق، علاوه بر اقداماتی که دولت‌ها به تنهایی در جلوگیری از گسترش بحران انجام دادند، به همکاری‌های گسترده بین‌المللی نیز روی آوردند. همین‌طور جنبش‌های مردمی و سازمانهای غیردولتی نیز در کشورهای غربی فعال شدند و زنگ خطر از بین رفتن محیط زیست را در دنیا را به صدا درآوردند. استقبال مردم از این گروه‌ها و سازمانها باعث شد تا آنها جایگاه ویژه‌ای را در جوامع خود به دست آورند به نحوی که بعضی از این گروه‌ها و احزاب تحت عنوان صلح سبز، امروزه از قدرتمندترین گروه‌های اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شوند.

بعد از سال ۱۹۶۰ رفته رفته مسائلی همانند ویرانی لایه اوزون، اثر گلخانه‌ای، جنگل‌زدایی و بیابان‌زدایی، افزایش جمعیت، افزایش آلودگی‌ها، کاهش منابع طبیعی، افزایش آب سطح دریاها، افزایش روان‌پریشی، افزایش بزهکاری، وابستگی فزاینده به ماشین‌ابزار، گسترش بیماری‌های ناشناخته، دستکاری ژنتیکی، اسیدی شدن آب‌های شیرین و خاک‌های حاصلخیز، افزایش پسماندها و پساب‌ها، نابودی و آسیب گونه‌های گیاهی و جانوری، کاهش منابع آب شیرین، شکار بی‌رویه آبزیان، نابودی کشتزارها به واسطه فرسایش خاک، نابودی منابع ژنتیکی، افزایش استفاده از آفت‌کش‌ها و علف‌کش‌ها، افزایش جنگ‌ها و گرسنگی در جهان (تیرل، ۱۳۹۸، ۱۱) که مانایی و پایایی انسان و کیفیت محیط زیست او را تهدید کرده‌اند، سبب شد در مطالعات امنیتی، تعریف گشوده‌تری از امنیت به عمل آید (شولتز ۱۳۹۶، ۵۸). از این‌رو، جستارهای زیست‌محیطی و مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مترتب بر آن در مطالعات سیاسی و امنیتی، جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. جالب آن است که در دوران جنگ سرد، مسائل مشترک زیست‌محیطی و جهانی، از جمله اندک موضوعاتی بود که دو ابرقدرت در آن توافقاتی داشتند (والگر ۱۳۹۱، ۳۷).

همان‌گونه که دگرگونی‌ها و تحولات عمده‌ی ساختار قدرت در نظام بین‌الملل و نیز گسترش نهضت‌ها و جنبش‌های انقلابی به پیدایش نسل‌های اول و دوم حقوق بشر انجامید، شرایط و اوضاع پس از آن هم با فروپاشی نظام جنگ سرد و نیز بیداری روزافزون ملت‌ها در کشورهای در حال توسعه سبب‌ساز تولد و تکوین نسل جدیدی از حقوق بشر بود؛ حقوقی که امروزه، با سرعت چشمگیر رو به فراگیری و تکامل است. یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های نسل جدید حقوق بشر، محیط زیست است. حقوق محیط زیست، در سطوح ملی و بین‌الملل، با ایجاد نهادهای حقوقی

برای حفاظت از محیط زیست و نیز دوره‌های تخصصی در مدارس حقوق و غیره، به ویژه از دهه‌ی ۱۹۶۰ تکامل یافته است. حقوق محیط زیستی، به عنوان شاخه‌ای از حقوق بشری نخستین بار در اعلامیه‌ی استکهلم در کنفرانس محیط زیست سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۲ مطرح شد .

در این دوران، به دنبال اعلام خطرهای دانشمندان، افکار عمومی عکس‌العمل فزاینده‌ای نسبت به حفظ محیط زیست از خود نشان داد. از این زمان به بعد بود که نحوه‌ی نگرش و برخورد با مسأله محیط زیست کاملاً عوض شده و تحت فشار افکار عمومی که کم‌کم جنبه بین‌المللی و جهانی به خود می‌گرفت، محیط زیست به عنوان یک مجموعه مطرح گردید. در سطح داخلی، متون قانونی برای حفاظت از محیط زیست افزایش چشمگیری یافت و دولت‌ها نهادهای اداری ویژه‌ای را برای مقابله با آلودگی ایجاد نمودند. سازمانهای بین‌المللی نیز به نوبه خود در مقابل مسائل مطروحه جدید عکس‌العمل مناسب و قوی نشان دادند و فصل جدیدی آغاز شد. از این به بعد تحول حقوق محیط زیست در حقوق داخلی و بین‌المللی به موازات یکدیگر صورت گرفت.

ضرورت حفاظت از محیط زیست مشکلی وسیع و پیچیده در حقوق داخلی و بین‌المللی است. وقتی نظام‌های حقوقی در مقابل مشکلات و مسائل جدید قرار می‌گیرند ابتدائاً از فنون موجود استفاده می‌نمایند ولی کم‌کم به ابداع و ایجاد فنون جدید و نو می‌پردازند. در خصوص محیط زیست نیز شاهد همین روند بودیم ولی چالش حفاظت از محیط زیست از آن فراتر رفته و تبدیل به عاملی قوی در جهت تحول مفاهیم بنیادین حقوق بین‌الملل گردید. اهمیت این موضوع هنگامی بهتر درک می‌گردد که توجه نماییم مسائل مربوط به محیط زیست بیش از پیش جنبه بین‌المللی پیدا کرده و بدین دید به آن نگاه می‌شود. عناصر مختلفی در بین‌المللی شدن مبارزه بر علیه آلودگی محیط زیست نقش دارند؛ آب، هوا، پرندگان و... مرز نمی‌شناسند و بین عوامل گوناگون تشکیل‌دهنده محیط زیست وحدت و همبستگی کامل برقرار است.

موضوع دیگری که نیاز به همکاری بین‌الملل و وضع مقررات و قوانین مشابه و مشترک دارد، جلوگیری از «صدور آلودگی» است. کشورها باید به طور مؤثر با یکدیگر برای جلوگیری از هر گونه نقل و انتقال و جابجایی مواد یا تأسیسات آلوده کننده محیط زیست از کشورهایی که در آنها مقررات سخت وضع گردیده به سوی کشورهایی که مقررات انعطاف‌پذیری دارند همکاری نمایند (امیرارجمند ۱۳۹۰، ۳۳۱).

عامل دیگری که در بین‌المللی شدن حفاظت از محیط زیست مؤثر است، جنبه‌های اقتصادی مسأله مبارزه با آلودگی است زیرا مبارزه با آلودگی خرج دارد و در نتیجه باعث گران تمام شدن محصولات کشاورزی کشوری می‌گردد که در امر تولید ملاحظات زیست‌محیطی را رعایت می‌نماید. چنین کشوری در رقابت بین‌المللی متضرر می‌گردد و تحمل این امر مخصوصاً برای کشورهای در حال توسعه تقریباً غیرممکن است. تقسیم این بار خود عاملی در جهت بین‌المللی شدن مبارزه با محیط زیست است .

داده‌ها و یافته‌های موجود نشان می‌دهند در آن دسته از کشورهایی که مردم چگونگی دخالت در امور سیاسی و اجتماعی را فراگرفته‌اند، با ایجاد سمن‌ها (سازمانهای مردم‌نهاد) یا همان NGOها، حاکمیت را به پشتیبانی از سازمانهای محیط زیستی و پایش و کنترل فزاینده آلاینده‌ها واداشته بود، بودجه‌های هنگفتی برای پژوهش و بهره‌گیری از انرژی‌های نو اختصاص داده، جنگل‌ها را گسترانده و رشد جمعیت را متعادل کرده‌اند. با این حال، همین کشورها دارای جنبش‌های پیشتاز زیست‌محیطی در چارچوب اندیشه‌های سبز، محیط زیست‌گرایی و مانند آن هستند.

برای آن که وضعیت زیست‌محیطی در دستور کار قرار گیرد، باید به نوعی معضل تبدیل شود. به عبارت دیگر، وضعیت زیست‌محیطی باید به میزان کافی موافقت همگانی را درباره اینکه وضعیت وخیمی بوده و باید اصلاح شود، کسب کند. آنگاه که هر معضل توجه مردم را به خود جلب کند، دولت را به پاسخ وا می‌دارد. این پاسخ در چارچوب سیاستی داده می‌شود که برای اصلاح وضعیتی که موجب بروز آن معضل شده، طرح‌ریزی شده است. برای به جریان افتادن در روند سیاسی، معضل باید بتواند توجه دولت را به خود جلب کرده و مشروعیت خود را به عنوان موضوعی که شایسته چنین توجهی است، به اثبات برساند و موجب واکنش از سوی دولت شود (مویر ۱۳۹۹، ۷۸).

از واپسین سال‌های دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰، جستارهای زیست محیطی به صورت ایدئولوژی منسجم مطرح شد و به حوزه مطالعات امنیتی وارد گردید (مک کین لای و دیگران ۱۳۹۰، ۲۰). با فروپاشی نظام ژئوپلیتیک جنگ سرد، شمار زیادی از پدیده‌های سیاسی، به عنوان منابع نوین تهدید در نظام سیاسی بین‌المللی شناخته شدند. از آن میان می‌توان به مسائل زیست‌محیطی اشاره کرد (دالبی ۱۳۹۰، ۴۱۱) که مسائل غیرسنتی

همانند مسائل زیست‌محیطی، وضعیت اقتصادی، سازمانهای جنایی فراملی و مهاجرت گسترده وارد شدند که کارکرد و سرشتی ناهمگون با مسائل پیشین داشتند. از جمله ویژگی‌های آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. دولت‌محور نیستند و ماهیتی فراملی و فروملی دارند.

۲. به واسطه برخورداری از تنوع، کانون جغرافیایی مشخص ندارند.

۳. با رویکرد سنتی مدیریت نمی شوند.

۴. دولت‌ها و افراد را همسان متأثر می‌کنند (تریف ۱۳۹۱، ۲۴۲).

گرمایش کروی، بزرگترین تهدید بقای تمدن بشر در درازمدت خواهد بود. به باور بسیاری از پژوهش گران، مهم‌ترین مسأله امنیت ملی سده بیست و یکم، محیط زیست خواهد بود، به طوری که الگوی روابط بین‌الملل متأثر از عامل محیط زیست دچار تحول شده و به نوعی بر محور آن قرار گرفته است. برآمدن واژه اکوپلیتیک خود ناظر بر این روند است .

مسائل زیست‌محیطی کارکردی کند اما پیش‌رونده دارند. آنگاه که پیامد ویرانی‌های زیست‌محیطی در مقیاس کروی و محلی، سبب اختلال در کانون‌های اجتماعی و اقتصادی شوند، واکنش جامعه را در پی خواهد داشت. از آن پس، کنشگری‌ها ماهیتی سیاسی خواهد یافت و بازیگران و کنشگران مناسبات قدرت را به تکاپو وامی‌دارد. این تهدیدات منحصر به یک کشور نخواهد بود و به نوعی دردسری همگانی و فراگیر است. مسائل زیست‌محیطی در زمره تهدیدات کنونی و آینده بشریت به شمار رفته و کشورها با تهدیدات مشترک روبرو شده‌اند. بر این شالوده، امنیت زیست‌محیطی ماهیت فراگیر و عام یافته، به طوری که حتی فرصت‌ها و امکانات فراسوی نسل‌های آینده را نیز به گونه جدی آسیب‌پذیر کرده است.

با توجه به این که بسیاری از آلودگی‌های محیط زیست جنبه فراملی داشته و آثار زیان‌بار ناشی از آن فراتر از قلمرو یک کشور می‌باشد، دولت‌ها تاکنون به دور از اغراض سیاسی ناگزیر به اقدام در سطح بین‌المللی بوده‌اند و این از ویژگی‌های منحصر به فرد و ممتاز همکاری‌های بین‌المللی محیط زیست در طول سال‌های اخیر است.

به طور کلی، محیط زیست، یکی از اساسی‌ترین میراث مشترک بشریت به شمار می‌آید، همواره در معرض تهدید خطرات و خساراتی قرار دارد که آثار ناشی از آن، منافع کلیه اعضای جامعه بین‌المللی را به خطر می‌اندازد، ضرورت توجه به محیط زیست در قبال تهدید این خطرات و افزایش همبستگی‌های بین‌المللی و اهمیت حفظ محیط زیست برای بقای جامعه بین‌المللی موجب گردید تا حفظ و حمایت از محیط زیست، از جمله تعهداتی به شمار آید که آثار نقض آن، علاوه بر دولت صدمه‌دیده، به دولت‌های دیگر نیز تسری یافته و در نتیجه جنایت بین‌المللی محسوب شود (امینی ۱۳۹۸، ۳۳).

در طول سال‌های گذشته شاهد شکل‌گیری رهیافت نوینی در این زمینه هستیم که می‌تواند این نوع همکاری‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار دهد و آن تلاش برخی از کشورها به ویژه آمریکا برای سیاسی کردن موضوعات مربوط به همکاری‌های بین‌المللی زیست‌محیطی است. آمریکا که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر مبارزه با تروریسم را سرلوحه سیاست‌های خود قرار داده و از جو بین‌المللی به وجود آمده بعد از این حادثه جهت پیشبرد این سیاست بهره‌برداری می‌نماید، اخیراً موضوع محیط زیست را نیز با این مسأله مرتبط کرده و روند خطرناکی را در پیش گرفته که می‌تواند مخرب همکاری‌های بین‌المللی محیط زیست باشد. به عنوان نمونه اخیراً در اجلاس بالی در اندونزی، این کشور با طرح بحث "حاکمیت مطلوب" در میان کشورهای جهان سعی در سیاسی کردن موضوع ارائه کمک‌های مالی و فنی زیست‌محیطی از سوی کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه داشت. آمریکا با اعلام آمادگی کامل خود برای ارائه کمک‌های مالی و انتقال فن‌آوری‌های نوین زیست‌محیطی به کشورهای در حال توسعه شرط آن را وجود "حکومت مطلوب" در کشورهای یاد شده عنوان کرد و این موضوعی است که کشورهای در حال توسعه می‌بایست به شدت با آن برخورد کرده و مانع از شکل‌گیری و گسترش چنین رهیافتی در حوزه همکاری‌های بین‌المللی زیست‌محیطی گردند (بیات ۱۳۸۵، ۴۷).

به طور کلی باید اشاره داشت که توفیق شگفت‌انگیز انسان در دستیابی به فناوری پیشرفته، امکان تولید انبوه کالاهای ارزان را پدید آورده، اما این تحول هزینه‌ای سنگین به جامعه بشری تحمیل کرده است که همانا مصرف گسترده منابع طبیعی و آلوده شدن محیط زیست است. کشورهای جهان تا این اواخر به اهمیت آنچه محیط طبیعی زیست انسان نامیده می‌شود، توجه چندان نداشتند تا اینکه نشانه‌های نگران کننده آشکار گردید و ناگزیری و فوریت اقدام در زمینه‌ی تحول و پایداری تراز بوم‌شناختی و محیط زیست طبیعی، هرچه بیشتر احساس شد.

آنچه گریزناپذیر می‌نمود، ایجاد موازنه‌ی سازواره میان انسان و طبیعت بود. بشر می‌بایست، مدبرانه، به تغییر حتی فلسفه‌ی علم و فن‌آوری دست می‌زد تا بتواند میراث طبیعت را به نسل‌های آینده انتقال دهد. رشد شتابان کشورهای صنعتی که نزدیک به یک پنجم جمعیت جهان را دربرگرفته‌اند، سبب از میان رفتن منابع ترمیم‌ناپذیر انرژی و فشار فزاینده بر سرزمین‌ها و دریاها و جو زمین شده است. از سوی دیگر، رشد مهارگسیخته‌ی جمعیت در پاره‌ای از نقاط جهان سوم زمینه‌ساز دگرگونی‌های نگران‌کننده در محیط زیست بوده است (علوی تبار ۱۳۹۰، ۹). افزون بر این، کشورهای در حال توسعه، با کاربرد الگوهای وارداتی کشورهای پیشرفته، آسیب‌های جبران‌ناپذیر بر منابع طبیعی و محیط زیست وارد آورده‌اند؛ تا آنجا که می‌توان گفت ویرانی‌های گسترده‌ی محیط زیست، فرصت‌ها و امکانات فراسوی نسل‌های آینده را به گونه‌ی جدی مخاطره افکنده است. تغییرات اقلیمی، تخریب لایه‌ی اوزون، از میان رفتن گونه‌های جانوری و گیاهی، در کنار مسائل دیگر مانند لزوم تأمین آب شیرین، حفاظت از دریاها و اقیانوس‌ها، احیای جنگل‌ها، بیابان‌زدایی و مقابله با خشکسالی، مدیریت تکنولوژی‌های زیستی، مدیریت زباله و مواد شیمیایی و دیگر پسماندهای آسیب‌رسان، پاکسازی مناطق آلوده شهری، بهبود بخشیدن به وضع بهداشت و نیز جلوگیری از افزایش سرسام‌آور جمعیت، از موارد بارز محسوب می‌شود (علوی تبار ۱۳۹۰، ۹).

از سوی دیگر، تلاش برای حفاظت از محیط زیست در سطح بین‌المللی همه‌ی اقداماتی را دربرمی‌گیرد که منافع مشترک همه‌ی دولت‌ها در آنها نهفته است. از آنجا که همه‌ی مسائل حفظ محیط زیست ابعاد بین‌المللی دارد، شایسته است که به عنوان مسائل پراهمیت بین‌المللی در نظر گرفته شود. در این راستا لازم است که حمایت از محیط زیست بین‌المللی نه فقط به عنوان یک دغدغه، بلکه به عنوان نیاز مشترک جامعه‌ی جهانی در دستور کار فوری مجامع بین‌المللی قرار گیرد و افزون بر شکل دادن به نظام‌های بین‌المللی برای اجرای اصول و معیارهایی که اکنون حائز اهمیت است، از روزنه‌ای نو به توسعه‌ی اصول تازه‌ی حقوقی بین‌المللی، شامل سازوکارهای جدید، جامع و کارآمدتر برای تصمیم‌گیری و اجرا، نگریسته شود. به این ترتیب شاید بتوان با سرعت افزون‌تر در راه همکاری و تعاون برای حفاظت از محیط زیست گام برداشت (سیم بر ۱۳۹۳، ۱۰۳).

نمی توان این مساله را نیز نادیده انگاشت که تخریب محیط زیست بر جلوه‌های گوناگون زندگی تأثیر منفی داشته است. گذشته از آن، فراگیری تهدیدهای زیست‌محیطی به اندازه‌ای است که فرموله کردن امنیت زیست‌محیطی، مانند دیگر اشکال امنیت، کاری بس دشوار است. تأثیر گازهای گلخانه ای و تغییر شرایط آب و هوایی، بالا آمدن سطح آب دریاها و از بین رفتن لایه‌ی اوزون، همه‌ی کشورها و همه‌ی انسانها را مورد تهدید قرار داده است، در حالی که بسیاری از خطرهای به کمین نشسته را نمی توان پیش‌بینی کرد. ته‌نشین شدن مواد اسیدی و آلودگی‌های سمی، امروزه زندگی بشر را در سطوح منطقه‌ای و جهانی تهدید می‌کند.

تهدید زیست‌محیطی، مرز سیاسی نمی‌شناسد. در بسیاری از موارد رویارویی با آنها نیازمند راه‌حل‌های فرامرزی است و در موارد دیگر که تهدید ریشه‌های بومی و منطقه‌ای دارد، باید با امکانات و ابتکارهای محلی به مقابله با آن برخاست. این مشکلات موضوع مهمی را شکل داده‌اند و آن اینکه امنیت را فقط چند کشور نمی توانند برقرار کنند. همکاری بین‌المللی نیاز اساسی جهانی به ویژه برای حل مسائل زیست‌محیطی است. این موضوع بار دیگر چارچوب حاکمیت ملت- کشورها را زیر سؤال برده و مشخص شده است که حاکمیت به سادگی و لزوماً به امنیت مربوط نیست. حتی ادعا شده است که حاکمیت باید یکسره مردود دانسته شود، زیرا عده‌ای در گوشه‌های مختلف جهان اعمال قدرت می‌کنند و در عین حال به تخریب آن مناطق می‌پردازند. بنابراین باید از روزنه‌ای تازه به حاکمیت بر اساس اصول زیست‌محیطی نگریست.

بی‌گمان برخی از مردمان در جهان بسیار بیشتر در معرض خطرات جدی زیست‌محیطی و زیست‌بومی هستند. مردمان فقیر در کشورهای در حال توسعه بیشتر در معرض خطرها و بلایای طبیعی قرار دارند. فقر آنها را وادار می‌سازد که در اماکن خطرناکی در سرزمین‌های حاشیه‌ای زندگی کنند؛ جایی که زندگی و اموالشان همواره در معرض خطر است. تهیدستان به هنگام تغییرات آب و هوایی که باعث قحطی و خشکسالی می‌شود، از گرسنگی رنج می‌برند. کشورهای فقیری در معرض این خطرهای فزاینده قرار دارند که سرزمینشان محل دفن زباله‌های سمی کشورهای صنعتی است.

۲ـ ٤ـ جهانی شدن و محیط زیست

هر موجودی درطبیعت دارای جایگاه ویژه‌ای است و برای ایفای وظیفه خاصی پدید آمده است. انواع موجودات وگونه‌های زیستی تا حدود زیادی تحت تاثیر الزامات محیطی خود هستند و در محدوده آشیان اکولوژیک خود محصورشده‌اند. منظور از آشیان اکولوژیک، تمام مشخصه‌های فیزیکی، شیمیایی و محیطی است که موقعیت یک ارگانیسم را مشخص می‌کند و در وضعیت خارج از مشخصه‌های مذکور، ارگانیسم با مشکلاتی مواجه می‌شود که ممکن است به نابودی آن منجر شود.

هنگامی که سخن از جهانی شدن می‌کنیم، ابعاد اقتصادی آن از سایر وجوه پررنگ‌تر و ملموس‌تر است. جهانی شدن اقتصاد از وجوه مختلف بر اکولوژی و محیط زیست اثر می‌گذارد. جهانی شدن بر روند رشد اقتصادی تأثیرگذار است و از همین طریق نیز بر محیط زیست اثر می‌گذارد. این اثرات در برخی موارد مطلوب و در برخی موارد نیز نامطلوب است. جهانی شدن به تغییرات ساختاری شتاب می‌دهد و باعث دگرگونی ساختار کشورها می‌شود و در نتیجه، مصرف منابع و سطوح آلودگی را بالا می‌برد. جهانی شدن موجب توسعه سرمایه‌گذاری و تکنولوژی می‌شود اما اثری که بر اکولوژی و محیط زیست دارد بستگی به خصوصیت زیست‌محیطی مناطق و همچنین کیفیت آنها دارد و همین است که تعیین می‌کند محیط زیست این مناطق در اثر جهانی شدن رو به زوال می‌رود یا بهبود پیدا می‌کند.

انسان در سیرتمدنی خود و به مدد پیشرفت تکنولوژی آن چنان قدرتمند شد که به رهایی اکولوژیکی دست یافت، خروج از آشیان اکولوژیک برایش میسر گردید و خود را ارباب محیط و طبیعت تصورکرد و هر آنچه که در چنته طبیعت بود را از آنِ خود پنداشت. دراین فرایند فراموش کرد که او، هم صرفا جزئی از اجزاء پُرشمار نظام طبیعت است و ملزم است رابطه معقول و متعادلی را با سایر اجزای موجود درجهان هستی برقرار کند. ناگفته نمانَد که این فراموشی برایش بسیار گران تمام شده است. توجه افراطی به رشد اقتصادی از یک سو و عطش پایان ناپذیر مصرف از سوی دیگر، در اغلب کشورهای جهان موجب اضمحلال منابع طبیعی شد. دخالتهای بی‌رویه و نسنجیده بشر نظم حاکم بر اکوسیستم را مختل کرد و تحمیل پسماندها و ضایعات انبوه بر طبیعت، بسی فراتر از آستانه تحمل آن، قانونمندی‌های طبیعت را به بازی گرفت. در نتیجه، نظام برنامه ریزی شده طبیعت از پاسخگویی به این حجمه عظیم عاجز ماند. چنین بود که مجموعه رفتارهای تخریبی بشر در سه سده گذشته، طبیعت را عاصی کرد تا حدی که در سالیان اخیر، درگوشه و کنار جهان اثرات این عصیان و نمودهای اعتراضی آن را به کرّات شاهد بوده و هستیم (زاهدی ۱۳۹۴، ۱۲).

جهانی شدن موجب افزایش خطاهای بازار و ناهماهنگی سیاسی می‌گردد، که این خود زمینه‌ساز تخریب محیط زیست می‌شود و همچنین می‌تواند با اعمال فشار برای انجام اصلاحات، سیاست‌هایی را که پیشتر به عنوان سیاست‌های کاملاً داخلی تلقی می‌گردید به سوی سیاست‌های نو سوق دهد. با وجود افزایش رشد اقتصادی در نتیجه‌ی جهانی شدن، این امکان نیز وجود خواهد داشت که در برخی از مناطق و کشورها جهانی شدن موجب از بین رفتن بعضی صنایع و بخش‌ها گردد که این خود منجر به زوال منابع و در نهایت گسترش فقر در میان مردمان این مناطق و نهایتاً تخریب محیط زیست می‌شود (سیدنورانی و دیگران ۱۳۹۱، ۲۲۰).

امروزه اگر پیرامون طبیعت سخن بگوییم درباره فرهنگ سخن می‌گوییم و اگر درباره فرهنگ سخن بگوییم درباره طبیعت سخن می‌گوییم. تصور ما از تفکیک جهان‌ها [به دو جهان] طبیعت و فرهنگ، که ذاتاً به اندیشه مدرن گره خورده، قادر به تشخیص این امر نیست که ما در جهان برساخته شده مصنوعی تمدنی عمل می‌کنیم، می‌سازیم و زندگی می‌کنیم که ویژگی‌های آن فراتر از این تمایزات است (تمایزاتی که هنوز بر اندیشه ما مسلطند). محو مرزهای میان این قلمروها نه تنها با صنعتی شدن طبیعت و فرهنگ، بلکه با خطراتی رخ می‌دهد که انسانها، جانوران و گیاهان را به یکسان به کام خطر

می‌افکنند. خواه ما به حفره ازن، آلودگی یا کمبود مواد غذایی بیاندیشیم و خواه نیاندیشیم، طبیعت به ناگزیر با فعالیت انسانی آلوده می‌شود. به عبارتی، خطر مشترک اثر هم‌تراز کننده‌ای دارد که برخی از مرزهای به دقت بنا شده میان طبقات، ملل، انسانها و بقیه طبیعت، بین آفریده‌های فرهنگ و آفریده‌های غریزه (یا با بهره‌گیری از یک تمایز قدیمی میان موجودات باروح و بی‌روح (آدام ۱۹۸۴، ۲۴). را از بین می‌برد. افراد مواجه با تهدید این تجربه را دارند که مانند گیاهان نفس می‌کشند و با آب آن‌گونه زنده هستند که ماهی در آن زندگی می‌کند. تهدید سمیت باعث می‌شود آنها احساس کنند که با تن خود در اشیاء شرکت می‌جویند («فرآیندی متابولیکی (سوخت و سازی) از آگاهی و اخلاق) و در نتیجه ممکن است همانند سنگ‌ها و درختان در باران اسیدی از بین روند (بک ۱۳۸۹، ۲۲۱-۲۲۰).

در جهانی‌سازی، دادن اولویت و اهمیت فوق‌العاده به کسب یک رشد اقتصادی بسیار سریع و نامحدود اهمیت بسیار دارد. روشن است که برای رسیدن به رشد فزاینده، تأکید خاصی بر قلب تپنده الگوی جهانی‌سازی یعنی تجارت آزاد شود و در کنار آن از فعالیت شرکت‌ها مقررات‌زدایی شده و خصوصی‌سازی و «کالاسازی» تا آنجا که امکان دارد، گسترده شود. نکته اخیر حتی شامل حیطه‌هایی از فعالیت‌های اجتماعی می‌شود که تا این لحظه از تاریخ در نظام مبادله و تجارت وارد نشده است، یا حیطه‌هایی که به نظر می‌رسد، حق طبیعی انسان است که خارج از نظام مبادلاتی و تجاری به آن دسترسی داشته باشد (ماندر ۱۳۹۳، ۱۳۱-۱۳۰).

به عنوان مثال، بذرهای بومی که طی هزاران سال با روش‌های طبیعی اصلاح شده و به رایگان در اختیار کشاورزان بوده است، هم‌اکنون در معرض انحصار بلندمدت شرکت‌های فراملیتی از طریق «حق امتیاز» است. اعتراضات کشاورزان هندی و قربانیان ایدز در آفریقا و سایر نقاط جهان علیه «حقوق مالکیت معنوی مرتبط با تجارت» (TRIPS) که توسط سازمان تجارت جهانی۴ وضع شده است، برخی از زوایای هراس‌انگیز این روند جدید را روشن می‌کند. همچنین فشارهایی وجود دارد تا مواردی چون آب رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و چشمه‌ها را نیز که همیشه بخشی از زندگی طبیعی انسان بوده و به راحتی به آنها دسترسی داشته است، به سیستم کالایی و مبادله‌ای فوق ملحق کند. بنابراین، در حال حاضر بنا بر مفاد دو قرارداد WTO یعنی (FTAA جدید) و موافقت‌نامه عمومی درباره تجارت خدمات (GATS)، روند کالاسازی و خصوصی‌سازی در حوزه خدمات عمومی جریان دارد. آخرین مذاکرات انجام شده پیرامون حوزه‌هایی است که هنوز به طور عمده در اختیار دولت هاست، مانند رادیو و تلویزیون، آموزش عمومی، بهداشت، آب و فاضلاب، تأمین اجتماعی، پلیس، آتش‌نشانی، راه‌آهن، زندان‌ها و...؛ چنانچه خصوصی‌سازی در این حوزه‌ها آغاز شود، زمینه برای سرمایه‌گذاری خارجی و تسلط آنها بر این مقوله‌ها فراهم می‌شود. آنگاه می‌باید برای دریافت خدمات تأمین اجتماعی به میتسوبیشی و برای اداره زندان‌ها به بوندس بانک مراجعه کنیم و برنامه‌های صدا و سیما را از دیزنی دریافت کنیم. به همه‌ی این‌ها «کالا شدن پول» را نیز باید افزود (ماندر ۱۳۸۳، ۱۳۱).

لذا وظیفه نهادهای مولود برتون وودز[۵] است که با وضع قوانین لازم، کشورهای مختلف را با روند خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و تجارت آزاد، همسو کرده و به صورت فعال با موانعی که در این کشورها بر سر راه بهره‌برداری از منابع، نیروی کار و بازار مصرف آنهاست، برخورد کنند. اما در عمل، بیشتر این موانع، قوانینی هستند که به طور مشروع توسط دولت‌ها و نهادهای ملی وضع شده‌اند؛ قوانین زیست‌محیطی، بهداشتی، امنیت غذایی، حمایت از حقوق کارگران و همچنین قوانینی که لازمه نظارت بر فرهنگ ملی است. همه‌ی این قوانین، ولو این که توسط دولت‌های مردم‌سالار و مبتنی بر آرای یکایک شهروندان وضع شده باشد، از جانب ذی‌نفعان جریان تجارت آزاد به عنوان «موانع غیرتعرفه‌ای تجاری» قلمداد می‌شود (ماندر ۱۳۸۳، ۱۳۲-۱۳۱).

WTO علی‌رغم عمر کوتاه خود، تاکنون قوانین ملی زیادی را به چالش کشیده است که بسیاری از آنها قوانینی در راستای حفاظت از محیط زیست بوده است. یکی از این موارد، قانون هوای پاک ایالات متحده بود که استانداردهای بالایی برای مقابله با بنزین آلاینده تنظیم کرده بود. این قانون، مخالف قوانین تجارت WTO تشخیص داده شد و ناچار استانداردهای آن باید تعدیل می‌شد. قانون‌گذاری‌های WTO فقط علیه استانداردهای زیست‌محیطی ایالات متحده نیست. در مواردی دیگر، علیه ژاپن به علت ممانعت از واردات میوه‌جات آلوده و علیه اتحادیه اروپا به

---

۱ WTO

[۵] Berton & woods

علت ممنوع کردن واردات گوشت گاو هورمونی، رأی صادر شده است. به ویژه در زمینه کشاورزی، مقررات WTO همیشه در راستای حمایت از شرکت‌های کشاورزی صنعتی فراملیتی‌ای بوده است که به طور قابل ملاحظه‌ای از ماشین‌آلات و مواد شیمیایی در تولید استفاده می‌کنند. بنابراین، کشاورزان بومی که در مقیاس مزرعه خانوادگی خود کار می‌کنند، به ناچار در این رقابت از صحنه خارج خواهند شد.

در عصر جهانی شدن، دو عامل باعث شدند که زیست‌بوم‌گرایی در کانون توجه مردم قرار گیرد. نخست، باید گفت که پهنه‌ی علایق زیست‌محیطی در عصر نوین وسعت تازه‌ای پیدا کرده است. بیشتر مسائل مربوط به منابع، ضایعات و آلودگی که در دوران پیشین مطرح می‌شدند، اساساً خصلتی محلی داشتند. زیست‌بوم‌گرایی بیشتر بر این اعتقاد مبتنی است که تباهی زیست‌محیطی بعدی جهانی به خود گرفته است، مانند مواردی چون گرم شدن جهان و کاهش لایه‌ی اوزون و نیز پیامدهای آب و هوایی جنگل‌زدایی در سطح جهان. انسانها همیشه با محیط‌شان واکنش متقابل داشته‌اند، البته نه همیشه به گونه‌ای خردمندانه. اما سبزها بر این باورند که در عصر نوین میزان فعالیت بشری که به ظرفیت جذب و بقای پهنه‌ی زیست ارتباط دارد، چندان افزایش یافته که بقای درازمدت بشر و تمامیت پهنه‌ی زیست را در خطر انداخته است.این نظر، چه درست و چه غلط، به تفکیک زیست‌بوم‌گرایی از محیط زیست‌گرایی موردی در گذشته و حال کمک می‌کند. دوم این که، زیست‌بوم‌گرایان سیاسی معتقدند که راهیافت‌های تک‌موردی در برخورد با مسائل زیست‌محیطی، جدی بودن این مسائل را به گونه‌ای بنیادی نشان نمی دهد. سبزها البته با باران اسیدی، جنگل‌زدایی و کاهش لایه‌ی اوزون مبارزه می‌کنند، اما این مبارزه را با این استدلال انجام می‌دهند که مسائل یاد شده از آن روابط بنیادی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سرچشمه می‌گیرد که عملکردهای دوام‌ناپذیر را تشویق می‌کنند. این تحلیل نظام‌دار به توصیه‌های نظام‌دار در جهت دگرگونی منجر می‌شود. انتقاد پهن‌دامنه و همه‌جانبه، ویژگی زیست‌بوم‌گرایی نوین است، یعنی همان ویژگی که اندیشمندان سده‌ی نوزدهم و اوایل سده‌ی بیستم فاقد آن بودند (دابسون، ۱۳۹۸، ۵۵-۵۴).

جالب است نگاهی به چالش‌هایی که در فضای تجارت بین‌الملل روی می‌دهد، داشته باشیم. در ابتدای امر چنین به نظر می‌رسد که این کشورها هستند که علیه یکدیگر در WTO اقامه دعوی می‌کنند، اما فی‌الواقع این‌طور نیست، بلکه کشورها به نمایندگی از شرکت‌های بزرگ و عمدتاً فراملیتی، دست به این اقدام می‌زنند، آمریکا برای موز چیکیتا، مکزیک برای صنعت تن و... نتیجه‌ی این روند این است که در تمام کشورها، رفته‌رفته و گام به گام، استانداردهای بهداشتی، کارگری و زیست‌محیطی تنزل می‌کند، چنان که هم‌اکنون درباره دستمزد استاندارد بین‌المللی روی داده است.

تجارت جهانی به سبک جدید، ویژگی‌های دیگری نیز دارد. به عنوان مثال، در موردی نه چندان قدیمی، دولت گواتمالا مجبور به لغو قانونی شد که به موجب آن، شرکت‌های تولید شیرخشک کودک به ویژه شرکت جربر، حق نداشتند در تبلیغات خود شیرخشک را سالم‌تر از شیر مادر معرفی کنند. کانادا نیز تحریم ملی خود بر روی ماده سرطان‌زای MMT که به بنزین افزوده می‌شود را لغو کرد. در هر دو مورد، نسبت به اقامه دعوی در WTO تهدید شده بود، مورد اول توسط ایالات متحده و مورد دوم توسط شرکت «اتیل» که مدعی بود کانادا با وضع این تحریم، مانع تحقق سودهای آینده این شرکت شده است. موارد فوق و صدها نمونه مشابه، به خوبی نشان می‌دهد که ساختار تجاری نوین بدین منظور شکل گرفته است که شرکت‌های فراملیتی و قدرتمند، راهی برای دور زدن قوانین محدود کننده خود داشته باشند. در حقیقت، آنچه را که به اسم «تجارت آزاد» ترویج می‌کنند، ایده شرکت‌های فراملیتی است که آزادی جوامع را در قانونگذاری و حفظ ارزش‌ها و اولویت‌های خود، از مسائل بهداشت و محیط زیست گرفته تا فرهنگ، اشتغال و حاکمیت ملی، تحت فشار قرار داده است (اسدی و دیگران ۱۳۹۴، ۸۵).

به طور کلی، مفهوم «بوم‌شناسی» سرگذشت کاملاً موفقی داشته است. امروزه، مسئولیت ناظر به وضعیت طبیعت تا پای در اتاق وزیران و مدیران بسط می‌یابد. [وجود] شواهدی در خصوص این که «اثرات جانبی» فرآورده‌ها یا فرآیندهای صنعتی شرایط اساسی زندگی را با خطر مواجه می‌کنند می‌توانند باعث سقوط بازارها، تخریب اعتماد سیاسی و نیز سرمایه اجتماعی و باور به برتری عقلانیت متخصصان شود. این موفقیت، که از جنبه‌های زیادی کلاً

زیرورو کننده است، این حقیقت را که «بوم‌شناسی[۶]» مفهومی کاملاً مبهم است از نظر پنهان می‌دارد؛ به این پرسش که چه چیزی باید حفظ شود هر کسی پاسخی متفاوت می‌دهد (بک ۱۳۸۹، ۴۳-۴۲).

جهانی شدن باعث توسعه‌ی استانداردهای تولید می‌گردد و با گسترش استانداردهای زیست‌محیطی، اکولوژیکی و گسترش بازارهای مصرف می‌تواند جریانی را به وجود آورد که سبب شود استانداردهای جهانی به طور فزاینده‌ای گسترش یابد. البته ممکن است در این راه در اثر فعالیت‌های ناعادلانه خسارت‌هایی نیز به رقابت سالم وارد شود یا در اثر استانداردهای سست‌انگار، یک مسابقه منتهی به سقوط پا گیرد. جهانی شدن اقتصاد، فصل مشترک دولت و بازار را تغییر می‌دهد. این روند بر دولت‌ها فشار می‌آورد و نقش بازار را در منافع اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی افزایش می‌دهد و برای حکومت‌ها در زمینه‌ی همکاری‌های زیست‌محیطی الزامات جهانی تازه‌ای ایجاد می‌کند (سیدنورانی ۱۳۹۱، ۲۲۰).

رویکردهای جهانی به مسائل (خود گفت‌وگو از یک جامعه در مخاطره جهانی) تاکنون با سه نوع استدلال مخالف مواجه گردیده‌اند. نخست، استدلال می‌شود که دانش (تخصصی و روزمره) پیرامون خطرات جهانی مبهم است؛ بسیاری هم به تفاوت‌های میان وضعیت واقعی دانش تخصصی و نمایش عمومی خطر و بحران اشاره می‌کنند. دوم، تعریف جهانی مسائل زیست‌محیطی به مثابه یک امپریالیسم نوین بوم‌شناسانه، به ویژه از سوی کنشگران و دولت‌های موسوم به «جهان سوم»، مورد انتقاد واقع می‌شود. در اینجا نه تنها عقیده بر این است که دولت‌های غربی با این کار رهبری خود در دانش و توسعه را (نسبت به کشورهای فقیرتر) تضمین می‌کنند، بلکه بالاتر از همه بر مسئولیت ابتدایی خود در خصوص تهدیدات جهان‌گستر تمدن سرپوش می‌گذارند. سوم، این اعتراض بلند می‌شود که تعریف جهانی از مسائل زیست‌بومی منجر به تحریف «حفاظت از طبیعت» به عکس آن، یا یک نوع مدیریت جهانی می‌شود. این امر سپس انحصارهای جدید دانش را پدید می‌آورد (مثل تهیه «مدل‌های تغییرات جهانی آب و هوا» با تکنولوژی عالی در پنل بین‌المللی تغییر آب و هوا، همراه با اشکال یکپارچه سیاسی آنها و تقاضای کنترل و تفسیر رشته‌ای به ویژه علوم طبیعی و کامپیوتر) (بک ۱۳۸۹، ۵۰-۴۹).

تبدیل پیامدهای ناخواسته تولید صنعتی به مشکلات بوم‌شناسانه جهانی اصولاً مسأله دنیای پیرامون ما (نه «مسأله» موسوم به «زیست‌محیطی») نیست بلکه یک بحران نهادی ژرف خود جامعه صنعتی است. مادامی که این پیشرفت‌ها را از چشم‌انداز مفهومی جامعه صنعتی بنگریم، اثرات نظام‌برافکن آنها به مثابه اثرات جانبی منفی کنش‌های به ظاهر محاسبه‌پذیر و مسئولیت‌بردار، غیرقابل تشخیص خواهند شد. اهمیت محوری آنها صرفاً در چشم‌انداز و درون مفاهیم جامعه در مخاطره و با عطف توجه به ضرورت بازتعریف و تعریف شخصی بازتابی ظاهر می‌شود. در عصر جامعه در مخاطره، تشخیص محاسبه‌ناپذیری خطرات ناشی از توسعه فنی- صنعتی، تأمل فردی در بنیادهای بستر اجتماعی و بازنگری در توافقات و اصول «عقلانیت» موجود را ضروری می‌کند. با تصور فردی جامعه در مخاطره، جامعه (در معنای محدود کلمه) بازتابی می‌شود (به عبارتی به موضوع و مسأله‌ای برای خودش تبدیل می‌شود) (بک ۱۳۸۹، ۱۲۵-۱۲۴).

جامعه صنعتی، نظم اجتماعی بورژوایی و به ویژه دولت اجتماعی و رفاهی با این تقاضا مواجه است که روابط زیسته انسانی را به وجهی ابزاری؛ عقلانی، کنترل‌پذیر، قابل تولید شدن، در دسترس قرار گرفتن و مسئولیت‌پذیر شدن (به صورت فردی و قانونی) کند. با این حال بن‌بست نهایی جامعه در مخاطره در شکاف میان دانش و تصمیم‌گیری است چرا که هیچ کس نتیجه جهانی [تصمیم‌گیری] را واقعاً نمی‌داند (در سطح دانش اثباتی، وضعیت اساساً «غیرقابل تصمیم‌گیری» است) اما با این وجود باید تصمیم بگیریم. عصر مخاطره‌بار تصمیم‌گیری‌های اساسی را (که می‌توانند کل حیات ما را بدون داشتن هیچ‌گونه پشتوانه مناسبی از دانش تحت تأثیر قرار دهند) بر دوش هر کدام از ما می‌افکند (بک ۱۳۸۹، ۱۲۵). برای درک بهتر چگونگی تأثیرگذاری تجارت آزاد بر محیط لازم است مسیرهایی که این اثرات از طریق آنها منتقل می‌شود مورد توجه قرار گیرد.

۱- تجارت و محیط زیست

نتیجه‌ی آزادسازی تجارت، آزادتر شدن داد و ستد است که در واقع حرکت‌دهنده و آشکار کننده‌ی فرآیند جهانی شدن می‌باشد. در دوران ما تجارت جهانی سریع‌تر از رشد ستاده‌ی جهانی رشد کرده است. برای نمونه، بین سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۵۰ نرخ رشد متوسط ستاده‌ی جهانی ۴ درصد بوده است

۱ Ecology

در حالی که نرخ رشد متوسط تجارت جهانی کالا بالای ۶ درصد را نشان می‌دهد. بررسی این نرخ رشد نشان می‌دهد که در طول این دوره‌ی ۳۵ ساله، تجارت جهانی کالا ۱۴ بار و ستاده‌ی جهانی ۵/۵ بار بیشتر شده است. شایان ذکر است که طبق اعلام نظر سازمان جهانی بازرگانی نرخ رشد تجارت در این دوره از این هم بیشتر بوده است. نظریه‌ی تجارت آزاد تشریح می‌کند که چگونه می‌توان از طریق طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی به حداقل هزینه‌ی تولید با حداکثر کارایی و تخصیص منابع دست پیدا کرد و اگر منابع طبیعی زیست‌محیطی به گونه‌ای کارآمد قیمت‌گذاری شود (یعنی تمام هزینه‌های اجتماعی مربوط به آنها منظور شود) آنگاه ستاده‌ی جهانی حاصل از تجارت آزاد با حداقل هزینه‌ی زیست‌محیطی تولید خواهد شد. آزادسازی تجارت می‌تواند تعادل در حفاظت از محیط زیست و پایداری آن را به همراه بیاورد به نحوی که فعالیت کشورهایی را که در این زمینه کم فعالیت دارند افزایش و اگر حفاظت به طور افراطی باشد آن را تقلیل دهد (اردستانی، ۱۳۸۴، ۳۷).

شایان ذکر است که خطاهای بازار (نظیر عدم قیمت‌گذاری یا قیمت‌گذاری کمتر از حد واقع یا عدم محاسبه‌ی اثرات خارجی) یا خطای سیاست‌گذاری (نظیر اعمال یارانه‌های زیان‌بخش برای محیط زیست) باعث می‌گردد که تخصیص منابع به درستی صورت نپذیرد و برطرف نساختن این موانع باعث خواهد گردید که خود تجارت آزاد این تخصیص نادرست را تشدید نماید. تحت چنین شرایطی، تجارت آزاد نخواهد توانست رفاه اجتماعی را حداکثر نماید (سیدنورانی ۱۳۸۱، ۲۲۱).

۲- اثرات تولید و تکنولوژی

تجارت آزاد موجب آسان شدن مبادله‌ی کالا، تکنولوژی و فرآیندها می‌شود و اثرات زیست‌محیطی این مبادلات به خصوصیات تولید و تکنولوژی‌های به کار گرفته شده بستگی دارد. تجارت محصولاتی که با محیط زیست در تعارض اند به سختی در کنوانسیون‌های بین‌المللی ممنوع می‌شود. در صورتی که کالاهای مورد مبادله هم از جانب تولیدکننده و هم از جانب مصرف کننده از نظر زیست‌محیطی واجد اولویت باشند، می‌توان اظهار نمود که جهانی شدن به نحو مؤثری بر محیط زیست اثر می‌گذارد (سیدنورانی ۱۳۸۱، ۲۲۲).

ارزش بازار جهانی کالاها و خدمات زیست‌محیطی حدود ۳۰۰ میلیارد دلار در سال است و رشد سریعی نیز برای آن پیش‌بینی می‌شود. آزادسازی تجارت بازار بالقوه‌ای را هم برای تجهیزات سرمایه‌ای کارآمدتر و تکنولوژی تولید «پاک‌تر» در سمت تولیدکننده و هم محصولات «سبزتر» نظیر غذاهایی که از طریق کشاورزی ارگانیک تولید شده‌اند و وسایل «تمیزتر» و قابل بازیافت در سمت مصرف کننده توسعه می‌دهد. تجارت آزاد نه تنها در انتشار و انتقال تکنولوژی سهیم است، بلکه از طریق اقتصاد مقیاس، تشویق و تأکید بر خلاقیت‌ها و کاهش فعالیت‌های اضافی در تحقیق و توسعه به واسطه‌ی محدودیت‌های کمتر برای متخصصین در پیشرفت تکنولوژیک نیز نقش دارد. آیا تولید و انتشار تکنولوژی از طریق تجارت موجب زیان محیط زیست می‌شود یا اینکه به نفع آن است؟ (سیدنورانی ۱۳۸۱، ۲۲۳-۲۲۲).

رابطه‌ی تکنولوژی و محیط زیست پیچیده است و شامل هر دو دسته عوامل عرضه و عوامل تقاضا می‌گردد و اثرات خط مشی را نیز در پی دارد. در سمت تقاضا، ما با فشارهای قانون‌گذاران، مشتری‌ها، سهامداران و بنگاه‌های موجود در سطح جامعه مواجهیم که نوعی از تکنولوژی را مطالبه می‌کنند که خصوصیات زیست‌محیطی داشته باشد؛ یعنی مثلاً تکنولوژی تولید آن، پاک‌تر و از تجهیزات جلوگیری از انتشار آلودگی برخوردار باشد. در حالی که فشارهای قانونی و اجتماعی معمولاً متوجه خصوصیات فرآیند است، فشار مشتری متوجه خصوصیات محصول شده است. مطالعات نشان می‌دهد که رقابت زیست‌محیطی در کشورهای توسعه‌یافته، بیشتر ناشی از فشارهای قانونی است در حالی که همین رفتارها در کشورهای در حال توسعه از فشارهای اجتماعی منتج می‌گردد. در طرف عرضه نیز تغییر تکنولوژیک در رابطه با محیط زیست، به واسطه‌ی هزینه‌های جلوگیری [از انتشار آلودگی] و توانایی نوآوری بنگاه‌ها نسبت به سودآوری اقدامات بهسازی تخریب زیست‌محیطی (که به رژیم منظم آن بستگی دارد) صورت می‌پذیرد. طبق اظهارات جان استون گذشته از عوامل یاد شده سطح تحقیقات و توسعه‌ی صنعتی هم می‌تواند عامل مهمی در عرضه‌ی نوآوری‌های تکنولوژیک مربوط به محیط زیست باشد. وانگهی، نتجس و ویرسام، هم نشان داده‌اند که فعال‌ترین صنایع در پژوهش‌های مربوط به محیط زیست در بخش تحقیق و توسعه صنایع شیمیایی، نفت و ماشین‌آلات و وسایل نقلیه بوده است (سیدنورانی ۱۳۸۱، ۲۲۳).

در نهایت باید گفت که خطی مشی زیست‌محیطی نقش اساسی در نوآوری تکنولوژیک بازی می‌کند. صراحت، قابلیت پیش‌بینی و ثبات خط مشی زیست‌محیطی در بیان ضرورت سرمایه‌گذاری به منظور جایگزینی بسیار مهم است. انعطاف‌پذیری اجزای خط مشی یاد شده نیز در کمک به بنگاه برای یافتن راه‌های حداقل هزینه نقش مهمی دارد، تا جلوگیری از آلودگی از نظر هزینه، مقرون به صرفه بودن و سود بردن از ابتکارهای مستمر ممکن باشد. در همین رابطه، ابزارهای مبتنی بر بازار نظیر مالیات‌های آلودگی و مجوزهای قابل تبادل، مزیتی عمده در قوانین فرماندهی و کنترل به شمار می‌آید. در چنین مواردی، به یک سیستم ترکیبی مالیات آلودگی (برای درونی کردن عوامل خارجی آلودگی) و یارانه‌های نوآوری تکنولوژی (برای مثبت نمودن عوامل خارجی نوآوری‌های تکنولوژی) نیاز است (سیدنورانی ۱۳۸۱، ۲۲۳).

جهانی شدن به طور اعم و آزادسازی تجارت به طور اخص اهمیت سیاست‌هایی را که پیش از این کاملاً داخلی انگاشته می‌شد در سطح بین‌المللی مطرح نموده است. در این رابطه می‌توان به سیاست‌های رقابتی، حقوق مالکیت معنوی و خط مشی زیست‌محیطی اشاره داشت. از سوی دیگر کاهش محدودیت‌های تعرفه موجب بالا رفتن اهمیت نسبی موانع غیرتعرفه‌ای شده است و نیروهای حمایت‌گرا که دستشان در استفاده از تعرفه‌ها کوتاه شده است، تمایل دارند به سوی موانع غیرتعرفه‌ای حرکت کنند. در همین رابطه مواردی که به محیط زیست مربوط می‌شود به دلیل ماهیت حساسیت‌برانگیزشان یک نامزد اولیه به شمار می‌آیند. قوانین تجارت چندجانبه موجب تمایز بنیادین بین الف) استانداردهای محصولات و ب) روش‌های پردازش و تولید می‌گردد. با این دو مقوله برخورد متفاوتی صورت می‌گیرد به این ترتیب که اجازه‌ی دخالت نیازهای ملی در استانداردهای تولید و روش‌های پردازش و تولید داده می‌شود، در حالی که در خصوص روش‌های پردازش غیرتولیدی اینگونه نیست (ابیانه، ۱۳۹۳، ۴).

جریان‌های سرمایه به طور اعم و به ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی راه‌های عمده‌ای هستند که جهانی شدن از طریق آنها بر محیط زیست اثر می‌گذارد. سرمایه‌گذاری خارجی، عمده‌ترین محملی است که همگرایی اقتصادی، انتشار تکنولوژی و گسترش تجارت را موجب می‌گردد. جریان‌های سرمایه در جهان از جریان‌های تجارت بزرگتر است (امیرارجمند ۱۳۸۰، ۹۷). هر روز نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار بین مرزها تبادل تجاری صورت می‌گیرد. کشورهای فقیر که ریسک سرمایه‌گذاری در آنها بالاست و دارای نهادهای توسعه‌نیافته و زیرساخت‌های ضعیف هستند، قادر به جذب مقادیر قابل توجه سرمایه نمی‌باشند. وانگهی، جریان‌های خصوصی سرمایه صرفاً با توجه به ملاحظات مربوط به قابلیت پایداری هدایت نمی شوند و حساسیت و فرار بودن آنها بستگی زیادی به شرایط متحول بازار دارد. در حال حاضر اطلاعات اندکی پیرامون اثرات اجتماعی و زیست‌محیطی سرمایه‌های خصوصی وجود دارد (سیدنورانی ۱۳۸۱، ۲۲۸-۲۲۷).

از حدود ۲۸۰ میلیارد دلار جریان خصوصی سرمایه کشورهای در حال توسعه، ۴۵ درصد به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ۳۳ درصد به صورت پرداخت وام و ۱۹ درصد به صورت سرمایه‌گذاری سهام صورت پذیرفته است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر در زمینه‌ی کارخانه‌های صنعتی، توسعه‌ی معدن، نیروگاه‌ها، مخابرات، توسعه‌ی بنادر، ساخت جاده و فرودگاه، عرضه‌ی آب و بهداشت صورت می‌گیرد که همگی به استفاده از منابع طبیعی و زیست‌محیطی مربوط می‌شود. به همین دلیل است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشترین اثر مستقیم را بر محیط زیست و توسعه‌ی پایدار می‌گذارد. این نوع سرمایه‌گذاری همچنین محمل اصلی انتقال تکنولوژی است. اگر این سرمایه‌گذاری گذشته از ارزش شرکت‌ها به وضعیت محیط زیست هم توجه کند، دارای اثر مثبت است و در غیر این صورت برای سوددهی بیشتر، فشار را افزایش می‌دهد و انگیزه‌های زیست‌محیطی را از بین می‌برد. اعطای وام یا قرض‌های تجاری که به شرکت‌های خصوصی پرداخت می‌شود، این امکان را به وام‌دهندگان می‌دهد که وام‌گیرنده را به خاطر ریسک‌های زیست‌محیطی تحت فشار قرار دهد. این موضوع همه چیز را در خصوص سرمایه‌گذاران توضیح نمی دهد. در واقع توانایی دولت‌ها برای پرداخت دیون‌شان ربطی به عملکرد زیست‌محیطی‌شان ندارد (سیدنورانی ۱۳۸۱، ۲۲۸).

جریان سرمایه‌های خصوصی تمرکز بسیاری پیدا کرده است و کشورهای در حال توسعه تنها یک چهارم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی و جریان‌های سرمایه را به دست آورده‌اند. در میان کشورهای در حال توسعه، ۱۲ کشور در آسیا، آمریکای لاتین و اروپای شرقی موفق به کسب ۸۰ درصد کل این جریان‌ها شده‌اند و کشورهای آفریقایی زیر صحرا که نیاز مبرمی به این سرمایه‌گذاری‌ها دارند، تنها موفق به جذب ۲ درصد این میزان شده‌اند. از سوی دیگر، چین موفق

به جذب بیش از نصف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آسیا شده است که یک‌سوم کل جریان سرمایه‌ی جهانی به کشورهای در حال توسعه را شامل می‌گردد (سیدنورانی ۱۳۹۱، ۲۲۸).

پرسش این است که رشد سریع جریان سرمایه‌های خصوصی برای توسعه‌ی پایدار چه پیامدی دارد؟ نخست اینکه جریان‌های سرمایه‌ی خصوصی جایگزین کمک‌های رسمی برای توسعه نشده‌اند و کشورهای فقیر که به جذب این جریان‌ها نیاز فراوان داشته‌اند، کمترین توفیق را کسب کرده‌اند. وانگهی سرمایه‌گذاری خصوصی به صورت خودکار به فعالیت‌های توسعه‌ی پایدار منتهی نمی گردد. از سوی دیگر، حوزه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی کمترین جذابیت را برای سرمایه‌گذاران داشته‌اند. به دیگر سخن، حتی بدون فشارهای قانونی در خصوص محیط زیست و آزادی دریافت عوارض از کاربران [منابع زیست‌محیطی] یا افزایش تعرفه‌ها برای پوشش دادن هزینه‌ها (شامل یک رشته اصلاحات قابل قبول برای سرمایه) هم این بخش‌ها جذابیتی برای سرمایه‌های خصوصی ندارند (سیدنورانی ۱۳۸۱، ۲۲۸).

با وجود این، طی ۵ تا ۷ سال گذشته، تغییرات مثبتی صورت پذیرفته است که از آن میان می‌توان به برداشتن قوانین غیرضروری، خصوصی‌سازی و نوآوری مالی اشاره کرد. این تغییرات موجب بالا رفتن قابلیت دسترسی و جذابیت این بخش‌ها هم برای سرمایه‌ی خصوصی خارجی و هم سرمایه‌ی خصوصی داخلی شده است. توسعه‌ی استراتژی‌های مبتکرانه‌ی مالی نظیر BOT، BOO و BOL این امکان را برای بخش خصوصی فراهم کرده است که به توسعه‌ی زیرساخت‌ها بپردازد. افزایش استفاده از قیمت‌های رقابتی، به همراه ملاحظات زیست‌محیطی یا تضمین‌های بانکی، موجب بهبود کارایی زیست‌محیطی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی گردیده و از همین رو به توسعه‌ی پایدار کمک شده است (سیدنورانی ۱۳۸۱، ۲۲۸).

در غیاب داده‌ها و مدل‌های کمی مورد نیاز، به سادگی نمی توان اثر سرمایه‌گذاری در سهام و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بر محیط زیست و توسعه‌ی پایدار مشخص نمود. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سرمایه‌ی توأم با ریسک فراهم می‌سازد که به رشد اقتصادی و افزایش اشتغال و کاهش فقر کمک می‌کند. همچنین موجب ایجاد اثرات خارجی مثبتی از نظر افزایش رقابت، بهبود مهارت‌های مدیریتی و دسترسی به بازارهای سبزتر و تکنولوژی‌های پاک‌تر می‌شود (ابیانه ۱۳۸۳، ۵۰).

از سوی دیگر، بیم آن می‌رود که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط کشورهایی جذب شود که استانداردهای زیست‌محیطی پایین‌تری دارند یا در این زمینه توجهی از خود نشان نمی‌دهند (فرضیه‌ی پناهگاه آلودگی). در کشورهایی که استانداردهای زیست‌محیطی پایینی دارند، جابجایی سرمایه منجر به این می‌شود که دولت‌ها برای جذب سرمایه‌های کمیاب با هم رقابت کنند و به همین خاطر استانداردهای زیست‌محیطی‌شان را به پایین‌تر از میزان مؤثر بیاورند (فرضیه‌ی مسابقه منتهی به سقوط) (ابیانه ۱۳۸۳، ۵۱).

با وجود اثر به ظاهر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر خط مشی زیست‌محیطی کشورها، نمی توان عملکرد زیست‌محیطی این نوع سرمایه‌گذاری را مورد تأیید کامل قرار داد. در این رابطه باید علاوه بر بنگاه‌های خارجی، بنگاه‌های داخلی را هم زیرنظر داشت (سیدنورانی ۱۳۸۱، ۲۳۱).

۳- از بین رفتن مزارع کوچک

ناگوارترین عارضه اجتماعی و زیست‌محیطی جهانی‌سازی، تبدیل الگوهای متنوع تولید کشاورزی به الگوی صنعتی و صادراتی، در سطوح محلی و منطقه‌ای است. باید به یاد داشته باشیم که هنوز حدود نیمی از جمعیت جهان، مستقیماً با کار بر روی زمین و تولید محصولات غذایی برای خانواده خود یا برای فروش، امرار معاش می‌کنند. تأکید کشاورزان بیشتر بر کاشت محصولات غذایی اصلی است و از گونه‌های مختلف بذرهای محلی استفاده می‌کنند. زمین‌های کشاورزی را آیش‌بندی می‌کنند و از منابع موجود مثل آب، بذر و نیروی کار به صورت اشتراکی استفاده می‌کنند. این شیوه طی قرون متمادی جریان داشته است، اما همان‌طور که ذکر شد، شرکت‌های فراملیتی به شدت از آن انزجار دارند، لذا در تبلیغات چند میلیون دلاری خود، بهره‌وری و کارایی کشاورزان کوچک را کمتر از اندازه‌ای اعلام می‌کنند که برای تأمین غذای جهان مورد نیاز است. هر شب در یکی از شبکه‌های

تلویزیونی به اصطلاح همگانی، شاهد آن هستیم که شرکت «آرچر دانیل میولند» در آگهی تبلیغات خود بی‌شرمانه ادعا می‌کند که اگر موانع سیاسی، در مقابل کاهش محدودیت‌ها و مرزها نبود، وارد میدان می‌شدیم و تمام گرسنگان جهان را سیر می‌کردیم (سیف افجه‌ای ۱۳۸۵، ۱۱).

چنین نیست که شرکت‌های کشاورزی فراملیتی برای تأمین خوراک مردم فعالیت کنند، بلکه عموماً به صورت تخصصی به تولید اقلام لوکس، با قیمت و سود بالا می‌پردازند، از قبیل: گل، گیاهان تزیینی، میگو، قهوه و... که عموماً برای صادرات تولید می‌شوند، آن هم به کشورهایی که پیش از این، بازارشان به حد اشباع رسیده است (سیف افجه‌ای ۱۳۹۵، ۱۲).

در حال حاضر مسائل جهانی مربوط به حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی به قدری اهمیت یافته‌اند که بررسی روابط اقتصادی، سیاسی (و حتی امنیت) بین‌المللی، بدون پرداختن به این مسائل بی‌معنی خواهد بود. آثار و عواقب ناشی از مسائل مذکور عامل عمده‌ی تعیین کننده‌ی نحوه‌ی شکل‌گیری روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی بین‌المللی به شمار می‌آیند. البته این سخن ممکن است اغراق‌آمیز به نظر برسد؛ ولی عواملی که طی چند سال گذشته بروز کرده‌اند، همگی مؤید این نکته هستند. عوامل مزبور عبارتند از:

– وابستگی متقابل و روزافزون تحولات اقتصادی با تغییرات محیط زیست

– تأثیر پردامنه فعالیت‌های بشری در محیط زیست

– رشد فزاینده‌ی «تقاضا» در برابر کاهش «عرضه» منابع طبیعی، به گونه‌ای که می‌توان گفت جهان امروز به جای استفاده از بهره و بازده سرمایه‌های طبیعی، اصل سرمایه را به مصرف می‌رساند و به اصطلاح «از مایه می‌خورد» و خود را با خطر تغییرات غیرقابل برگشت، روبرو کرده است.

– سهمگین‌ترین مسائل و مشکلات زیست‌محیطی و منابع طبیعی در ابعاد جهانی به وجود آمده‌اند و بنابراین چاره‌جویی برای آنها هم باید در سطح جهانی بوده و با همکاری کاملاً بی‌سابقه همه‌ی کشورهای دنیا عملی شود.

– وابستگی متقابل ممالک ثروتمند و فقیر به یکدیگر که خود ناشی از مشکلات و مسائل مورد بحث است.

– به هم پیوستگی بسیاری از مسائل جهانی، از جمله «عارضه‌ی گلخانه‌یی» (گرم شدن هوای زمین)، ریزش باران‌های اسیدی، فقر، توسعه اقتصادی جهان سوم، افزایش مفرط جمعیت، از میان رفتن جنگل‌ها، تولید و مصرف انرژی که چاره‌جویی را بیش از پیش دشوار می‌کند.

– ظهور پدیده‌ای به صورت «آوارگان محیط زیست» به عنوان یک مسأله‌ی جهانی.

بنابراین ضروری است که عوامل فوق و همچنین روش‌های ناکافی موجود در قبال مسائل محیط زیست مورد بررسی قرار گیرد.

مقدمه‌ی گزارش مجمع آمریکایی حفظ محیط زیست (وابسته به دانشگاه کلمبیا) با این عبارات شروع می‌شود: «سه جریان جهانی و تفکیک‌ناپذیر مربوط به محیط زیست، قابلیت کره زمین را برای سکونت به گونه‌ای فزاینده تهدید می‌کنند. این سه جریان به هم پیوسته عبارتند از:

– افزایش جمعیت،

– از میان رفتن جنگل‌های مناطق گرمسیری و زوال سریع تنوع موجودات زنده،

– تغییرات جوی شامل فرسایش لایه‌ی ازون و عارضه‌ی گلخانهای (گرم شدن هوای زمین) (امینی ۱۳۸۳، ۸۵).

این سه جریان بنیه‌ی اقتصادی کشورها و در نتیجه امنیت داخلی آنها و همچنین سلامت شهروندان آنها را (به سبب افزایش اشعه‌ی ماورای بنفش)، تهدید می‌کنند؛ و در خصوص گرم شدن هوای زمین باید گفت که این عامل اصولاً موجودیت بشریت را به خطر می‌اندازد. در چنین عرصه‌ای دیگر صحبت از به خطر افتادن «امنیت ملی» جایز نیست؛ زیرا علاوه بر وابستگی اقتصادی کشورها، خطرات و تهدیدات جهانی محیط زیست عملاً به جای مقوله‌ی سنتی «امنیت ملی»، امنیت همگانی و جهانی را در کانون توجه قرار داده و نگرانی‌ها هم بیشتر از همین بابت است» (امینی ۱۳۹۳، ۸۸).

این عبارات به وضوح بیان می‌کنند که چرا مسائل مربوط به محیط زیست اینک عواقب و آثار سیاسی و امنیتی به بار می‌آورند. ویژگی بارز این مسائل وسعت و ماهیت بی‌سابقه‌ی پاره‌ای از تغییرات در سیستم‌های طبیعی است که برای جلوگیری از آنها بی‌تردید اقدامات پردامنه‌ای در مقیاس جهانی، ضروری است.

کشورها در گذشته غالباً با هم اختلاف و مخاصمه داشتند و حتی بر سر بهره‌برداری از منابع به جنگ می‌پرداختند؛ اما اینک با وضعیت کاملاً متفاوتی روبرو هستیم. در واقع در حال حاضر علاوه بر آن نوع مخاصمات قدیمی، از حیث پاره‌ای از منابع اساسی زیست‌محیطی (که برای حفظ راه و رسم زندگی بشر امروزی و حتی حفظ بقای نوع بشر ضرورت حیاتی دارند) با «کسری» روبرو هستیم. در چنین شرایطی واضح است که خصومت بین «داراها» و «ندارها» بیش از پیش شدت خواهد یافت. علاوه بر این، چون این گونه مشکلات ابعاد جهانی دارند، لذا چاره‌جویی آنها هم فقط از راه همکاری و تفاهم بین‌المللی میسر است. یعنی فقط از این راه است که جامعه جهانی فرصت می‌یابد تا راه‌حل‌های عملی برای مشکلات مربوط به محیط زیست و عواقب اقتصادی، سیاسی و امنیتی آنها را پیدا کند. خطراتی را که متوجه امنیت محیط زیست است، بایستی به منزله‌ی تهدید رفاه و کیفیت زندگی تمام مردم جهان در نظر گرفت و آنها را مانند خطر تهاجم نظامی بسیار جدی تلقی کرد؛ و مانند مقابله با یک تهدید جدی نظامی، منابع و امکانات لازم را برای مقابله با آن بسیج کرد.

به طور کلی، به نظر می‌رسد عقلانی‌ترین بدیل برای جهانی شدن و ایدئولوژی نئولیبرال آن، ایده توسعه پایدار است. فلسفه وجودی و دلیل عمده این دیدگاه، ضرورت توجه به سه موضوع عمده و مرتبط به هم در جهان امروز است: توسعه اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و ارتباط با محیط طبیعی. با توجه به این که نگارنده، دیدگاه توسعه پایدار را مناسب ترین دیدگاه در بحث توسعه می‌داند.

در سال ۱۹۸۷ گرو برانتلند نخست وزیر نروژ، برای توسعه جهانی از عبارت توسعه پایدار استفاده کرد و آن را توسعه‌ای اعلام کرد که آینده را با خطر مواجه نکند. ازآن زمان به بعد موضوع توسعه پایدار مبنای مباحثات فراوان قرار گرفت و متخصصان و صاحبنظران درباره آن بسیار گفتند و نوشتند. در دو دهه اخیر که رشد شتابان جهانی شدن درسراسر گیتی موجب افزایش رو به رشد مصرف منابع و خسارتهای غیرقابل جبران به اکوسیستمهای طبیعی شده است. توسعه پایدار بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

توسعه پایدار توسعه‌ای است که علاوه بر توسعه و تعالی زندگی نسل حاضر به حمایت از نسلهای آتی نیز عنایت دارد و براساس آن، شرایط انسانی و وضعیت محیطی و اکوسیستمی به طور همزمان مورد توجه قرار می‌گیرد. توسعه پایدار بر فلسفه پایداری ابتنا دارد. پایداری به توانایی سیستم برای کار کرد درآینده نامحدود اطلاق می‌شود و وضعیتی است که درآن وضعیت، مطلوبیت و امکانات موجود در طول زمان کاهش نمی‌یابد و منابعی که سیستم برای انجام فعالیتهای خود به آنها وابسته است رو به ضعف نمی‌گذارد .

توسعه پایدار نیز مجموعه اقداماتی است که با توجه به فلسفه پایداری هدایت می‌شود. در این نوع از توسعه، اقدامات و فعالیتها به طور مداوم از منظر اصول پایداری بررسی می‌شود و مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد، به نحوی که برای خیر جمعی جامعه و حفاظت از منابع، به گونه‌ای عالمانه و آگاهانه تصمیم‌گیری و برنامه ریزی شود و تصمیمات متخذه به مرحله اجرا درآید.

توسعه پایدار بر یکپارچگی اقتصادی- محیطی، حفاظت محیطی، تعهد بین نسلها و عدالت درون نسلی و بین نسلی، کیفیت زندگی و مشارکت آحاد جامعه در فرایند توسعه ابتنا دارد و زمانی عینیت می‌یابد که اولا کیفیت زندگی انسان را بهبود بخشد و ثانیا قابلیت زیستِ کره زمین را حفظ کند. در مورد ارتقای کیفیت زندگی انسان، سیاستهای توسعه باید به گونه‌ای تدوین شود که زمینه تعالی همه آحاد جامعه را فراهم آورد؛ سلامت جسم و روان آنها را تدارک ببیند؛ امکانات آموزشی، پرورشی، بهداشتی و رفاهی را در حد یک استاندارد شایسته زندگی در اختیار انسان بگذارد؛ امنیت سیاسی، اقتصادی و قضایی را برای او تامین نماید به صورتی که روابط انسانی مناسب بین افراد خانواده‌ها و درکل جامعه در سطوح محلی و سازمانی و ملی برقرار گردد. درمورد محافظت از قابلیت زیستِ کره زمین، توسعه‌ای مدّنظر است که براساس آن سیستمهای پشتیبان زندگی و فرایندهای اکولوژیک که موجب تداوم چرخه عناصر اساسی (هوا، آب، خاک، ....) می‌شوند و همچنین تنوع گونه‌های زیستی حفظ شود؛ پایداری منابع تجدید پذیر تضمین گردد؛ مصرف منابع تجدید ناپذیر به حداقل برسد و محدوده ظرفیت تحمل زمین و اکوسیستم رعایت شود. به این ترتیب توسعه پایدار را می‌توان

مدیریت روابط سیستمهای انسانی و اکوسیستمهای طبیعی به منظور استفاده پایدار ازمنابع درجهت تامین رفاه نسلهای حال و آینده تعریف کرد. دربرنامه‌ریزی توسعه پایدار پرسشهایی درباره چگونگی اثرات یک سیستم بر سایر قسمتها مطرح می‌شود و همچنین این پرسش اساسی که آیا تعامل بین سیستمهای موجود به کارآیی و اثربخشی بیشتر منجر می‌شود یا خیر مورد توجه قرار می‌گیرد (زاهدی ۱۳۸۴، ۱۰).

توسعه پایدار دارای چهار بعد اساسی است وتحقق آن منوط به همکاری نزدیک دولت، بخش خصوصی، ونهادهای مدنی است. ابعاد چهارگانه توسعه پایدار عبارتند از: ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی وزیست محیطی. بعد اجتماعی به رابطه انسان با انسانهای دیگر، اعتلای رفاه افراد، بهبود دسترسی به سلامت و بهداشت وخدمات آموزشی، توسعه فرهنگهای مختلف و برابری وفقرزدایی عنایت دارد. بعد اقتصادی با متغیرهای اقتصادی مرتبط است و در آن رفاه فرد و جامعه باید از طریق استفاده بهینه و کارای منابع طبیعی و همچنین توزیع عادلانه منابع حاصله، تاحداکثر ممکن ارتقا یابد. بعد زیست محیطی با حفاظت و تقویت پایه منابع فیزیکی وبیولوژیکی و اکوسیستم مرتبط است و به رابطه بین طبیعت و انسان می‌پردازد. بعد سیاسی نیز به قوانین، سیاستها، برنامه ریزی، بودجه بندی، نهادسازی، تنوع و تکثّرگرایی، احترام به حقوق انسانی و مشارکت موثر مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری توجه دارد و به تنظیم وضعیت و شرایط لازم برای تلفیق هدفهای اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی و ایجاد رابطه مبادله بین آنها برای رسیدن به توسعه پایدار می‌پردازد.

اولویت نسبی که به ابعاد مختلف توسعه پایدار داده می‌شود در هر کشور، جامعه، فرهنگ و حتی در هر موقعیت و در طول زمان، متفاوت است. به همین دلیل درحالی که توسعه پایدار یک چالش جهانی است، راهکارهای عملی فقط می‌تواند به صورت ملی، محلی و بومی تعریف شود. رویکردهای توسعه پایدار انعکاسی از تنوع چالشهای اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و سیاسی است که کشورهای مختلف با آن مواجه‌اند و تفسیرهای متعدد و مختلف از توسعه پایدار از ارزشها و علائق مختلف در جوامع مختلف مشتق می‌شود.

در گزارش توسعه هزاره سازمان ملل متحد که با مشارکت نمایندگان دولت‌ها، تشکلهای غیردولتی، دانشگاهیان و نمایندگانی از جوامع محلی تهیه شده است، شرکت کنندگان، اثرات تغییرات اکوسیستمی رادر رفاه بشر مورد بررسی قرار دادند. براساس این گزارش، تمامی افراد بشر برای برخورداری از یک زندگی خوب، سالم و ایمن، براکوسیستم‌ها متکی هستند. قرنهای متمادی است که طبیعت نیازهای انسان‌ها را در مورد غذا، آب، هوا و انرژی تامین کرده است. اما در حال حاضر به دلیل زیاده روی هایی که در استخراج منابع طبیعی صورت گرفته، ظرفیت و توانایی سیاره برای تامین نیازهای بشری به شدت تضعیف گردیده است. یافته‌های این بررسی تصویری ناخوشایند را از وضعیت موجود ارائه می‌دهند: کاهش خدمات اکوسیستمی، افزایش تغییرات آب و هوایی، افزایش بحران‌ها و بلایای طبیعی، مشکلات رو به تزاید ناشی از آلودگی‌های مختلف و تشدید شتاب انقراض انبوه درگونه‌های زیستی، به طوری که انواع گونه‌های زیستی با سرعتی بیش از هزار برابر سرعت طبیعی در حال انقراض هستند. بدیهی است که روندی این چنین شتابان در نهایت به ناپدید شدن خود انسانها نیز منجر خواهد شد (زاهدی ۱۳۸۴، ۱۲).

بانک توسعه آسیایی با بحرانی خواندن مشکل محیط زیست در این قاره اعلام کرده است که زندگی آسیایی‌ها رو به تهدید است. بنابر گزارش بانک توسعه آسیایی، وضعیت محیط زیست در آسیا و بی توجهی به آن اقتصاد کشورهای این قاره را تهدید می‌کند. طبق این گزارش، از ۱۵ شهرجهان که آلوده ترین شهرها از نظر زیست محیطی هستند، ۱۲ شهر درآسیا قرار دارد. جنگلهای منحصر به فرد این قاره درحال نابودی هستند و زیان‌های بسیار بر منابع غنی و گوناگون دریایی آسیا وارد می‌شود. بانک توسعه آسیایی به دولت‌های آسیایی هشدار داده است که هر چه زودتر خود را برای مقابله با این وضعیت وخیم آماده کنند (زاهدی ۱۳۸۴، ۱۳).

۳ـ حقوق زیست بین الملل

۳ـ۱ـ حقوق محیط زیست در عرصه حقوق بین الملل

دانستن این مطلب مهم که اثرات مداخله انسان در طبیعت به ندرت در محل باقی می ماند و به جهانی شدن میل دارد لازم می آورد تا دولت ها را نسبت به بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی زیست محیطی مؤظف نموده و همکاری های بین المللی در این راستا را برانگیزد. اگر چه حتی از سال ۱۹۲۶ فعالیت هایی پراکنده در این زمینه وجود داشته (آقایی، ۱۳۹۶، ۱۵۶). لیکن آغاز نهضت محیطی زیستی را باید از ۱۹۶۰ در نظر گرفت.

از ژوئن ۱۹۷۲ برپایی کنفرانس استکلهم به عنوان نقطه عطفی در توجه به مسائل محیط زیست بشر این حقوق توسعه یافت. (تقی زاده، ، ۱۳۹۴، ۱۵۷). این کنفرانس جهانی پس از دوران خمود و بی توجهی نسبت به آن، همت جهانیان را به سوی حل این معضل جهانی برانگیخت و سلسله جنبان فعالیت های پیش رونده ای در این راستا شد. بعدها با تشکیل کنفرانس ریو و اخیراً کنفرانس ژوهانسبورگ و دیگر نشست های جهانی مسائل محیط زیست به طور جدی تری در دستور کار مجامع جهانی وارد شد. (قوه قضاییه، ، ۱۳۸۴، ۶۲) انسان پرورده شده در دامان طبیعت، پس از طی دوران متنوع ارتباطش با آن، اینک در قالب مجامع و تجمعات دولتی و غیر دولتی به آن جا رسیده که برای حفظ محیط زیستش قواعدی را بنا نهاده و خود را ملزم به رعایت آن بداند. مهم ترین توجهات در این زمینه در قالب کنفرانس ها و کنوانسیون های بین المللی و منطقه ای نمود داشته است.

۳ـ ۱ـ ۱ـ ویژگی های حقوق بین الملل محیط زیست معاصر

گرچه به طور کلی می توان در حقوق بین الملل عمومی جنبه های از حفاظت محیط زیست یافت ، اما ظهور حقوق بین الملل محیط زیست به عنوان شاخه ای از این رشته نسبتا جدید است . جرقه های نخست این شاخه حقوقی در کنفرانس ۱۹۷۲ استکهلم و با پذیرش بیانیه این کنفرانس زده شد. این بیانیه با اینکه جنبه الزام آور حقوقی ندارد، اما اصول مهمی را که امروزه زیر بنای حقوق بین الملل محیط زیست است ، بیان می دارد.

یکی دیگر از خصوصیات حقوق بین الملل محیط زیست این است که اساس این حقوق بر پایه حقوق نرم[۷] بنا گردید است . حقوقی که بر بیانیه ها ، اعلامیه ها، اصول اجرایی و .... مبتنی گردیده و ضمانت اجرای حقوقی محکمی ندارد. گر چه به تدریج حقوق بین الملل محیط زیست به سمت حقوق سخت[۸] پیش رفته است و در حال حاضر می توان بخشی از آن را در مجموعه های حقوقی بین المللی یافت.

بر این اساس ، « مسئولیت»[۹] درحقوق بین الملل محیط زیست بر اساس « مسئولیت نرم»[۱۰] شکل گرفته است. گر چه به طور سنتی می توان متون حقوقی زیادی درباره « مسئولیت سخت»[۱۱] در حقوق بین الملل محیط زیست مشاهده کرد، که از جمله می توان به « مسئولیت بین المللی آلودگی فرامرزی » اشاره کرد ، ولی حقوق بین الملل محیط زیست در تلاش است تا یک نوع مسئولیت مدنی که مبتنی بر « جبران خسارت » می باشد را به رسمیت بشناسد. این نوع مسئولیت به عنوان یک مسئولیت ناشی از « خطاء » شناخته می شود نه مسئولیت ناشی از « فعل یا ترک فعل » که عنصر «جرم » معرف آن است.

تکنیک های حقوقی به کار رفته در این شاخه حقوقی نیز یکی از ویژگی های منحصر به فرد حقوق بین الملل است. از یک طرف حقوق بین الملل محیط زیست بر اساس اصول خیلی کلی حقوقی که در بیانیه ها و اعلامیه ها مورد پذیرش قرار گرفته است ، بنا شده است و از طرف دیگر با بهره گیری از تکنیک حقوقی « کنوانسیون – پروتکل»[۱۲] به طور جزئی ، دقیق و مشخص نسبت به حفاظت محیط زیستی منطقه یا بخشی

۷- Soft Law

۸- Hard Law

۹- Hard Law

۱۰- Soft Responsibility

۱۱- Hard Responsibility

۱۲- Convention – Cadre

خاص تنظیم می شود. تکنیک حقوقی « کنوانسیون – پروتکل » تکنیکی است که مختص به یک بخش یا منطقه ویژه ای است و کمتر قابل انتقال به بخش و یا مناطق دیگر است.

با توجه به ویژگی های حقوق نرم و مسئولیت نرم ، « بازیگران نرم « نیز در حقوق بین الملل محیط زیست در حال شکل گیری و گسترش است . « دولت « به معنای سنتی و کلاسیک آن دیگر تنها بازیگر حوزه بین الملل به شمار نمی آید ، با اینکه همواره به عنوان بازیگر مهم نقش خود را در شکل گیری و اجرای حقوق بین الملل محیط زیست حفظ نموده است ، اما سازمانهای غیر دولتی(A. Kiss, ۱۹۹۱,۷۹۳) رفته رفته توانسته اند در شکل گیری ، تدوین ، اجراء و نظارت بر حقوق محیط زیست مؤثر باشند.

گرچه سازمانهای غیر دولتی در سایر شاخه های حقوق بین الملل از قبیل حقوق بین الملل اقتصادی ، حقوق کیفری بین المللی و .... نقش آفرین بوده اند ، ولی نقش و جایگاه این گروهها درحقوق بین الملل محیط زیست برجسته و مهم به شمار می آید. شرکت در کنفرانسهای بین المللی از جمله کنفرانسهای استکهلم ، ریو و ... ، پذیرش به عنوان ناظر در کنوانسیون های بین المللی نشاندهنده شناسایی نقش سازمانهای غیر دولتی به عنوان « بازیگر » در روابط بین الملل می باشد. بدیهی است ابزار مهم سازمانهای غیر دولتی « افکار عمومی جهانی « است که امروزه به عنوان یکی از پدیده های نوین حوزه ارتباطات به شمار می آید.

همانگونه که « مک – کافری» (Stephen C.۱۹۹۳,۹۸) خاطر نشان کرده است حقوق بین الملل محیط زیست در ابعاد گوناگون در حال گسترش و توسعه است . در این قالب، حفاظت محیط زیست آبراههای بین المللی به جای حفاظت سنتی از شبکه سطحی آبها ، اتخاذ سیاستهای همسوی مدیریتی – توسعه ای به جای رویکردهای حل مشکلات مقطعی ، حفاظت از ماهی (آبزیان) به جای حفاظت از ماهیگیری (صیادی) ، به رسمیت شناختن اصل « بهره برداری منصفانه ومنطقی از سرزمین » به جای اصل « عدم اضرار به منابع مشترک بین المللی » ، رهیافتهای جدید حقوق بین الملل محیط زیست معاصر به شمار می آید.

۳ـ ۱ـ ۲ـ اصل همکاری در حقوق بین الملل محیط زیست

زندگی مشترک بین المللی لزوماً به همکاری بین المللی نیازمند است. در خصوص آلودگیها و تخریب محیط زیست که در برخی موارد نیز غیرقابل کنترل می شوند و مرزهای جغرافیایی سایر کشورها را هم تحت تأثیر قرار می دهند، چرا که ماهیت آلودگی و تخریب محیط زیست، فرامرزی بودن است که برخورد با این مخاطرات مستلزم همکاری بین همه کشورهای جهان است که در دراز مدت به نفع همه ملل نیز خواهد بود. وجود هزاران معاهده بین المللی اعم از دو جانبه، چند جانبه، منطقه ای و جهانی نیازمند همکاری با دیگر دولتهاست. همکاری در حقوق بین الملل محیط زیست به اشکال مختلفی است که از جمله می توان به تبادل اطلاعات، فناوری و متخصصان، منابع مالی، برگزاری دوره های آموزشی، شرکت در کنفرانسهای بین المللی و حتی کمک در شرایط اضطراری اشاره نمود. لازم به ذکر است که توافق در همکاری در قالب موافقت نامه ها می باشد که هیچگونه وظیفه و تعهدی را برای کشورها ندارد که این خود زمینه ای جهت جذب دولتها در انعقاد چنین موافقت نامه هایی خواهد بود و علاوه بر اینکه کشورها، حاکمیت خود را ازدست نمی دهند بلکه یک وجهه مثبتی را برای دولتها ایجاد می نماید.

این موافقت نامه ها اگر چه الزام آور نیستند اما همانند بیانیه های سازمان ملل متحد و قطعنامه های مجمع عمومی در گسترش آگاهی در جهت حفظ محیط زیست نقش شایانی دارند. (کاشیان و ارغند،بی تا، ۹۹)

۳ـ ۱ـ ۳ـ اصل همکاری در پرتو نهادها، مؤسسات و ترتیبات بین المللی

اغلب همکاریها بین دولتها برای حفاظت محیط زیست در سطح نهادها، مؤسسات و ترتیبات بین المللی پدیدار شده است. این نهادها ممکن است پیش و یا بعد از وقوع مخاطرات زیست محیطی ایجاد شوند. برخی از مشکلات زیست محیطی را نمی توان با اتخاذ روش ساده ای بوسیله مقررات حل کرد. برای حل آنها نیاز به پیشرفت سطح همکاری بین دول ذیربط است که انجام این کار تنها با موجودیت بخشیدن سازمانهای دائمی توسعه می یابد، بعلاوه در التزام کلی اعضای سازمان ملل، بویژه وقتی نیاز به همکاری برای حفاظت از محیط زیست در میان باشد، همکاری دولتها در سطح خوبی با سازمان مذکور و بین خودشان صورت می گیرد. لیکن به علت فقدان ساختارهای نظارتی و اجرایی با محدودیتهای خاص از حیث فعالیتهای زیست محیطی مانع از کارآیی موافقتنامه های همکاری از لحاظ ایفای نقش مهمی که در مورد حفاظت از محیط زیست دارند، می گردد. چنین موافقتنامه هایی نشانگر تنشی تکراری در خصوص حقوق بین الملل محیط زیست می باشد، بدین معنا که هر چه در یک موافقتنامه به حاکمیت دولتها کمتر خدشه وارد گردد، احتمال بیشتری برای کسب رضایت آنها وجود دارد، اما احتمال زیادتری نیز وجود دارد که موافقتنامه مزبور برای به انجام رساندن اهداف مهم زیست محیطی ناتوان باشد و داشتن سازمان جهانی محیط زیست می تواند ما را به اهداف اصلی نزدیک کند.

۳ـ ۱ـ ٤ـ اصل همکاری در منابع الزام آور حقوق بین الملل

همکاری زیست محیطی برای صیانت و نگهداری محیط زیست ضروری است و جامعیت و فراگیری اکوسیستم، اقتضای آن را دارد و اغلب معاهدات زیست محیطی نیز بر آن تأکید دارند. از آنجاییکه در زمینه حمایت از محیط زیست، همکاری بین المللی یک اصل ضروری است، این امر سبب می شود اغلب معاهدات زیست محیطی به آن تأکید کنند. اصل همکاری مأخذ الزامات در بسیاری از معاهدات است با وجود این اسنادی چند بر این موضوع صراحت دارند که در بسیاری از کنوانسیونها و پروتکلها اشاره شده است، از جمله می توان به مواردی در ذیل اشاره نمود. در ماده ۲ کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازن(۱۹۸۷) ، تحت عنوان تعهدات کلی آمده است که همکاری از طریق مشاهدات، پژوهش و مبادله اطلاعات منظم جهت فهم بهتر و ارزیابی اثرات فعالیتهای انسان بر لایه ازن و اثرات تغییرات لایه ازن بر سلامت انسان و محیط زیست، اتخاذ تدابیر مناسب و همکاری در هماهنگ سازی خط مشیهای شایسته جهت کنترل فعالیتهای انسانی که به طور یقین یا احتمالاً موجد اثرات سوء بر لایه ازن می شوند، همکاری در تدوین اقدامات، رویه ها به منظور تصویب پروتکلها، همکاری با ارگانهای ذیصلاح بین المللی جهت اجرای مؤثر این کنوانسیون و ماده ۴ این کنوانسیون همکاری در زمینه های حقوقی، علمی و فنی را مورد تأکید قرار داده است.

ماده ۱۰ کنوانسیون بازل درباره کنترل نقل و انتقال برون مرزی مواد زاید زیان بخش و دفع آنها ((۱۹۸۹) بیان میدارد که اعضای کنوانسیون باید به منظور بهبود و اداره صحیح وسالم زباله های مضر و سایر انواع زباله از لحاظ زیست محیطی با یکدیگر همکاری کنند. بند ۵ماده٤ کنوانسیون (۱۹۹۲) سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوا اشاره دارد که کشورهای پیشرفته باید تمامی اقدامات لازم را برای ترغیب، تسهیل و تأمین اعتبار، انتقال یا دسترسی به آگاهیها و فن آوری کامل و معقول زیست محیطی به سایر اعضا بویژه کشورهای در حال توسعه جهت ارتقای توان آنها انجام دهند. آنها همچنین باید از توسعه و ارتقای فناوریها و قابلیتهای کشورهای در حال توسعه حمایت نمایند. این ماده همکاری از طریق تبادل اطلاعات علمی و فن آوری را مورد تأکید قرار می دهد .کنوانسیون بین المللی آمادگی، مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی(۱۹۹۰) ، در ماده ۷ همکاری بین المللی جهت مقابله با آلودگی، در ماده ۹ همکاری فنی و در ماده ۱۰ ترغیب همکاریهای دو جانبه و چند جانبه در زمینه آلودگی و مقابله با آن را مورد تأکید قرار می دهد. بند ج ماده ۱۹ معاهده منشور انرژی) (۱۹۹۰به همکاری در جهت نیل به اهداف زیست محیطی منشور و همکاری در زمینه استانداردهای زیست محیطی بین المللی برای چرخه انرژی با در نظر گرفتن آثار سوء و کاهش هزینه ها بین طرف های متعاهد اشاره دارد. بند دوم در قسمت اهداف منشور انرژی اروپایی( ) ۱۹۹۱به همکاری در تسهیل مبادله اطلاعات فنآوری، دانش فنی و آموزش در زمینه های انرژی و محیط زیست تأکید می کند، همچنین

بند ٦ و ٧ در قسمت اجرا منشور انرژی اروپایی به همکاری در توسعه فنآوری، استفاده کارآ از انرژی و حفاظت از محیط زیست در ارتباط با انرژی اشاره دارد. ماده ٤ کنوانسیون بیابان زدایی در کشورهایی که به طور جدی با خشکسالی و یا بیابان زایی مواجه می باشند (١٩٩٤) تحت عنوان تعهدات عمومی، تأکید شده که اعضا بایستی همکاری بین کشورهای مبتلا به در زمینه های حمایت از محیط زیست و حفاظت منابع آب و خاک در حالیکه مربوط به بیابان زایی و خشکسالی می شود را توسعه دهند و نیز همکاریهای زیر منطقه ای، منطقه ای و بین المللی را تقویت نمایند. در ماده ١١ همان کنوانسیون تحت عنوان همکاری بین المللی، طرف های متعاهد با جامعه بین المللی باید همکاری نمایند تا از اعتلای یک محیط بین المللی جهت اجرای مفاد این کنوانسیون اطمینان یابند. این همکاری باید زمینه های انتقال فن آوری و همچنین تحقیقات و توسعه علمی، جمع آوری و توزیع اطلاعات و منابع مالی را نیز تحت پوشش قرار دهد. در این کنوانسیون همکاریهای فنی و علمی نیز در ماده ١٦ و ١٧ مورد توجه قرار گرفته است. ماده ٦ کنوانسیون چارچوب حفاظت از محیط زیست دریایی دریای خزر) (٢٠٠٣، تحت عنوان تعهد به همکاری و ماده ١٨ تحت عنوان کشورهای حاشیه خزر را به همکاری دو جانبه یا چند جانبه دعوت می کند و یا به عبارتی ملزم می کند« همکاری میان طرفهای متعاهد» علاوه بر مواد ٦ و ١٨ در این کنوانسیون در ١٨ ماده دیگر از کلمه همکاری میان کشورهای حاشیه خزر با هم و سایر مراجع استفاده شده که نشانگر اهمیت همکاری در خصوص حفاظت از محیط زیست دریای خزر می باشد.

۳ـ ۱ـ ۵ـ اصل همکاری در منابع غیر الزام آور حقوق بین الملل

اصل همکاری در چندین سند بین المللی در رابطه با محیطزیست تأکید شده است، از آن جمله می توان به اصل ٢٤ اعلامیه استکهلم (١٩٧٢) اشاره نمود که بیان می دارد تمامی کشورها اعم از کوچک و بزرگ باید به موضوعات بین المللی راجع به حفاظت و بهبود محیط زیست با روحیه همکاری برپایه مساوات رسیدگی کنند. همکاری از طریق قراردادهای دو جانبه یا چند جانبه یا از طریق مقتضی دیگر در جهت کنترل، جلوگیری، کاهش و یا از بین بردن مؤثر اثرات زیانبار محیط زیستی ناشی از فعالیتهای انجام شده در همه زمینه ها با صرف توجه کافی نسبت به حق حاکمیت و علاقمندی همه دولتها ضروری است. این اصل با همان مضمون مجدداً در منشور جهانی طبیعت (١٩٨٢) مورد تأیید قرار گرفت به طوری که دولتها باید در نگهداری طبیعت ضمن فعالیتهای مشترک و دیگر عملیات مناسب با یکدیگر همکاری کنند. این همکاری شامل تبادل اطلاعات و مشاوره خواهد بود و همین طور باید برای محصولات و فرآیندهای صنعتی که ممکن است آثار زیانباری بر محیط زیست داشته باشند، استانداردهایی را تأسیس کنند و نیز روشهای همکاری مؤثر فراهم نمایند. اعلامیه ریو (١٩٩٢)نیز مبنای مهمی در اصل همکاری تلقی می گردد. بویژه به خاطر قائل شدن نقشهای ویژه بین دو دسته دولت یعنی دولتهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه. اصل ٧ اعلامیه ریو اعلام می کند که کشورها باید با روحیه و بینش مشارکت جهانی با یکدیگر همکاری داشته باشند تا هیچگونه آسیب و آلودگی زیست محیطی حاصل نشود و وحدت زیست محیطی کره زمین مورد حمایت قرار گیرد. همچنین در اعلامیه ریو روی تقویت همکاری در راستای اصل توسعه پایدار در اصل ٩ و همکاری در جهت جلوگیری از هر گونه نقل و انتقال و جابجایی مواد آلوده کننده در اصل ١٤ اشاره گردیده است. اصل ٣٥ بیانیه ژوهانسبورگ (٢٠٠٢) نیز به این موضوع اشاره دارد که ما متعهد به همکاری با یکدیگر هستیم تا با اتحادی برخاسته از تصمیمی مشترک برای نجات سیاره خود، توسعه انسانی را ارتقاء بخشیده و به صلح و سعادت جهانی دست یابیم. کنفرانس ریو٢٠ +(٢٠١٢) در سند آینده ای که ما می خواهیم، به الزام دولتها برای تحکیم همکاری بین المللی جهت شناسایی چالشهای پیشروی توسعه پایدار در جهان به ویژه در کشورهای در حال توسعه و همکاری بین المللی در مسائل مالی، انتقال فنآوری و ... اشاره دارد.

۳ـ ۲ـ حمایت های جهانی از تدوین حقوق بین الملل محیط زیست پیامد بیداری بشر

در واقع پایه ایدئولوژیک و زمینه حمایت از محیط زیست و منابع طبیعی به شکل امروزین را می توان دیدگاهی دانست که از تاریخ ۱۹۶۸ یعنی از زمان عبور آپولوی ۸ بر فراز کره زمین ایجاد شده است. عکس برداری ها از کره زمین یک عنصر واحد نمایان می سازد. کره زمین و یک زیستگاه واحد برای تمام موجودات که متعلق به همه بوده و باید مورد حمایت و حفاظت قرار گیرد. «تنها یک کره زمین»

با توجه به اهمیت موضوع، از آن تاریخ به بعد کنفرانس های متعددی به این موضوع اختصاص یافته است. در سال ۱۹۶۸ در یونسکو نیز زمینه تشکیل کنفرانسی با این موضوع، فراهم شد و متعاقباً در سال ۱۹۶۹ در سازمان ملل قطعنامه ای به تصویب رسید که در آن پیشنهاد تشکیل کنفرانسی در سال ۱۹۷۲ در سطح سازمان ملل داده شده و منتج به تشکیل کنفرانس جهانی محیط زیست استکهلم گردید. این اولین نشست رسمی جهانی در زمینه حفاظت محیط زیست بود و هدفش رسیدگی به محیط زیست بشر و متوجه ساختن او به آثار زیان بار برخی فعالیت هایش بر محیط طبیعی است.

بیست سال بعد در شهر ریو دو ژانیرو در کشور برزیل، کشورهای جهان در یک کنفرانس مهم بین المللی بار دیگر با این موضوع گرد هم آمدند (کنفرانس تغییرات بیو اکولوژیک، ریو ۱۹۹۲). حمایت از حقوق بشر پس از جنگ های جهانی نیز قواعد بین المللی در این زمینه را گسترش داد. قواعدی که حاوی تعهداتی بلاعوض در جهت منافع مشترک بشریت است. همچنین طرح مسائل جدیدی از جمله بهره برداری از فضای ماوراء جو، میراث مشترک بشریت و نظایر آن اهمیت این قواعد را در نظام بین المللی به طرز چشمگیری افزایش داد. هدف نهایی قواعد حقوق بین المللی محیط زیست فقط منابع مستقیم و بلاواسطه دولت ها نیست بلکه منافع بشریت و بهبود سرنوشت انسان هاست و به همین دلیل اعلامیه پایانی بنیادینی میان حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر ایجاد کند و از سویی دیگر سرآغاز تحولی تجدید از این دست در حقوق بین الملل باشد. می توان گفت شالوده حقوق بین الملل محیط زیست از سویی بر اصول اعلامیه های استکلهم و ریودوژانیرو از سوی دیگر بر کنوانسیون های مختلف بین المللی در این زمینه استوار است.

۳ـ ۳ـ جایگاه بین المللی حقوق محیط زیست

در واقع دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ را می توان دوره های بیداری بشر در زمینه محیط زیست او دانست. البته این به معنی نادیده گرفتن فعالیت های انجام شده تا پیش از آن نیست. ولی نهضت محیط زیستی و توسعه حقوق بین الملل در این زمینه نمایان گر توجه خاص و احساس نگرانی در خصوص مسائل محیط زیستی در این دوره است. منابع حقوق بین الملل محیط زیست مطابق با بند ۱ ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، (ماده ۳۸) اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری سنتی یعنی معاهدات، عرف، اصول کلی حقوقی، رویه قضایی و دکترین می باشد.(همان ، ۱۲۵) بدون تردید در زمینه هریک از منابع مذکور، اطلاعات و سوابقی موجود می باشد اما جدید بودن موضوع از طرفی و اقبال عمومی به سوی برخی از منابع از سوی دیگر، مجالی به ایجاد عمق و همگنی در منابع نداده است. مثلاً عرف و مقررات عرفی در وقوع و بروز برخی مسائل دامنه گسترده ای را به خود اختصاص نداده که البته هرگز به معنای نادیده انگاشتن اهمیت و نقش آن نیست. همچنان که مطابق با یک قاعده عرفی تأثیرگذار، دولت ها مؤظفند تا از قلمرو خود به گونه ای استفاده کنند که منجر به صدمه زدن به قلمرو سایرین نگردد.

لیکن بنا به نظر برخی دولت ها و صاحب نظران، حقوقی عرفی بسیار کندتر از آن است که بتواند پاسخگوی تحولات سریع و فوریت های اقدام در این زمینه باشد. شاید این برداشت را که قواعد قراردادی بعضاً پیش تر از عرف در حال شکل گیری هستند بتوان صحیح تلقی کرد. مانند آن که هنگام تصویب مفاد یک کنوانسیون یا پس از آن، این قواعد به سرعت جایگاه خود را در قوانین بسیاری کشورها باز می کنند که می تواند نشان دهنده تأثیر قراردادها در جلب توجه نسبت به این موضوع باشد. به بیانی دیگر می توان چنین گفت که عرف در این حوزه با کمک قرارداد در حال شکل گیری است.

با توجه به این که توسعه سایر منابع نیز رشدی بیش تر از عرف را نشان نمی دهد، باید گفت منابع مدون قراردادی حقوق بین الملل در این زمینه از قابل توجه ترین آنها محسوب می شود.

حقوق بین الملل محیط زیست شامل تعداد زیادی معاهدات بین المللی، قطعنامه های الزام آور سازمان های بین المللی و همچنین متون و قطعنامه های غیرالزام آوری است که به رغم غیر الزام آور بودن حائز اهمیت هستند. معاهدات بین المللی در این زمینه خصوصاً از پایان دهه ۷۰ به بعد افزایش چشمگیری داشته که شاید شمار آن به بیش از ۳۰۰ معاهده برسد که تمام یا بخشی از آن به محیط زیست مربوط شده است. البته معاهدات دو جانبه را نیز باید به این تعداد افزود.

قطعنامه های الزام آور که صدور آنها از جمله صلاحیت های سازمان های بین المللی است و قطعنامه های غیرالزام آور را نیز باید افزود، و از آنجا که تمام سازمان ها یا کنفرانس های جهانی می توانند چنین قطعنامه هایی صادر کنند و ایجاد تعهدی هم نکنند بر خلاف مورد پیش تعداد آنها بسیار است. این قطعنامه ها به لحاظ محتوی سه قسمند: قطعنامه های توصیه ای که شامل تعلیماتی است برای کشورهای عضو به جهت یادآوری چگونگی اجرای تعهداتشان، قطعنامه های دربرگیرنده اعلامیه های اصولی که خطوط کلی را برای دولت ها ترسیم می کند و هدفش این است که ضمن ایجاد قواعد تازه حقوق بین الملل، در ضمن معاهدات الزام آور گنجانده شود، و قطعنامه های حاوی برنامه عمل که کارهایی را که باید انجام شود معین می کند. در میان اعلامیه های اصولی باید از اعلامیه استکهلم به عنوان کامل ترین و اساسی ترین متون مربوط به حقوق بین الملل محیط زیست نام برد که اغلب سازمانها عمده فعالیت های خود را با اقتباس از اصول این اعلامیه آغاز کرده اند.

در واقع کنفرانس انسان و کره مسکون استکهلم به عنوان مهم ترین کنفرانس جهانی نقطه عطفی در توجه به مسائل مربوط به محیط زیست است که تدوین آن از دهه ۵۰ آغاز شده بود و در ۱۹۷۲ با حضور تعداد کثیری از کشورهای جهان ابعاد جهانی یافت.

به دنبال این کنفرانس، شالوده یک برنامه انعطاف پذیر ولی مداوم با عنوان "برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد برای محیط زیست"[۱۳] ریخته شد که به عنوان مهم ترین دستاورد آن همایش، هماهنگی فعالیت های مربوط به مسائل محیط زیستی را بر عهده دارد. و هدفش حفظ و تأمین محیط زیست انسان و تضمین حق بشر برای داشتن محیطی سالم و هم چنین ترغیب حکومت ها و سازمان های بین المللی به همکاری در زمینه کنترل آلودگی ناشی از فعالیت های بشری و توسعه قوانین بین المللی برای جبران خسارت ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست در مرزها و مناطق مشترک بین دول است. کنفرانس استکهلم به دلیل رسمی بودن و به این دلیل که نخستین نشست فراگیر جهانی در این زمینه است از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است. عمدتاً کنوانسیون های جدی و مهم در این زمینه، پس از این کنفرانس استکلهم رو به فزونی گذاشته است (به عنوان مثال نخستین کوشش بین المللی در مبارزه با آلودگی دریاها در ۱۹۲۶ طی کنفرانسی در واشنگتن برای ایجاد هماهنگی بین دولتها آغاز شد ولی تصمیمات آن حتی به وسیله آمریکا که خود مبتکر این کنفرانس بود به تصویب نرسید،(آقایی،۱۳۹۴ ، ۱۵۶)این کنفرانس به دلیل خطر رو به رشدی که محیط زیست با آن روبروست با درک اهمیت این موضوع در پیشنهاد ۱۳۸ ماده ای اش چنین آورد که: دولت ها باید مناطقی را که معرف اکوسیستم های با اهمیت بین المللی هستند، تحت یک موافقت نامه بین المللی به منظور حفاظت قرار دهند. (قوه قضائیه،۱۳۸۴ ، ۳۲)

[۱۳] –UN Environment Programme (UNEP)

ماده اول اعلامیه نشست استکلهم با قرار دادن حق انسان ها به داشتن محیط زیست سالم در کنار آزادی و برابری، آن را صراحتاً از مصادیق حقوق بنیادین قلمداد می کند. این ماده مقرر می دارد انسان برای داشتن آزادی و برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی توأم با سعادت را بدهد از حقوق بنیادین برخوردار است.

به موجب این اعلامیه، انسان ها رسماً مسئولیت حفاظت و بهبود محیط زیست را برای نسل های حاضر و آینده بر عهده دارند و از این تاریخ به بعد حق بر محیط زیست سالم در اسناد بین المللی مختلف مورد تأیید و تأکید قرار می گیرد افتخار جهرمی، گودرز، "تحول حقوق محیط زیست در عرصه بین الملل"، (مجموعه مقالات همایش حقوق محیط زیست، ، ۱۳۸۴، ۹۸). اهمیت توجه به این موضوع به صراحت در سایر اسناد بین المللی نیز مورد توجه قرار گرفته که از آن جمله: اصول ۱۴ تا ۲۴ منشور جهانی طبیعت مصوب ۲۷ اکتبر مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تعیین وظایف و تکالیف دولت ها و نهادهای دولتی و نیز گروه های انسانی، به نحوه انجام و اجرای اصول مربوط به حق محیط زیست اختصاص یافته است.

اصول ۱ تا ۱۰ اعلامیه ریو (۱۹۹۲) حاوی قواعد مشابهی است. اصل ۱۰ اعلامیه ریو به عنوان تمهیدی برای شناخت محتوای حق بر محیط زیست از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این اصل مسائل مربوط به محیط زیست با مشارکت کلیه شهروندان ذی ربط در سطحی مطلوب، لازم و ضروری شمرده شده است. (همان) همچنین می توان کنوانسیون ۱۹۹۸ دانمارک را به عنوان اولین سند لازم الاجرا در قلمروی بین المللی در خصوص دسترسی عمومی به اطلاعات زیست محیطی نام برد. اسناد، اصول و کنوانسیون های زیر به عنوان نمونه های مهم دیگری در این زمینه قابل اشاره می باشند: (قوه قضاییه،۱۳۸۴، ص ۱۳۸) کنوانسیون های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ لندن، اولی مربوط به پیش گیری از آلودگی ناشی از ته نشینی، زایدات در دریا و دومی مربوط به آلودگی دریا به وسیله کشتی ها.

کنوانسیون ۱۹۷۹ بن در مورد حفاظت از نسل حیوانات وحشی، کنوانسیون ۱۹۸۹ بازل[۱۴](۳) در مورد کنترل حمل و نقل زایدات خطرناک بین کشورها، کنوانسیون ۱۹۸۰ کانبارا در مورد حفظ منابع زنده دریایی قطب جنوب، کنوانسیون ۱۹۹۶ لندن در مورد مسئولیت و پرداخت غرامت در قبال خسارات ناشی از حمل مواد خطرناک و مضر به وسیله دریا، قطعنامه ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تحت عنوان ضرورت تضمین محیط زیست سالم برای بهزیستی هر فرد، اصول مصوب کنفرانس وزرای اتحادیه اروپا ۱۹۹۵، اولین سند منشور آفریقایی حقوق بشر ۱۹۸۱، (ماده ۴ آن اعلام می دارد کلیه اقوام حق دارند از محیط زیستی رضایت بخش و جامع و مناسب برای توسعه خود برخوردار باشند). پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۹۸. در ماده ۱۱ آن آمده است: هر فرد حق دارد در محیط زیست سالم زندگی کند و از خدمات عمومی اساسی برخوردار گردد.

از دهه ۱۹۷۰، به بعد حق بر محیط زیست سالم در قوانین اساسی بسیاری از کشورها شناسایی و مورد حمایت قرار گرفته است (نمونه های آن ماده ۳۰ قانون اساسی ۱۶ آوریل بلغارستان ۱۹۷۱– ماده ۵۷ قانون اساسی ۱۹ آوریل ۱۹۷۲ مجارستان– ماده ۶۶ قانون اساسی ۲۱ فوریه ۱۹۷۴ یوگسلاوی سابق– ماده ۲۴ قانون اساسی ۹ ژوئن ۱۹۷۵ یونان– ماده ۶۶ قانون اساسی ۲۱ آوریل ۱۹۷۶ پرتغال– ماده ۱۸ قانون اساسی ۱۴ اکتبر ۱۹۷۷ شوری سابق. ماده ۱۱ قانون اساسی ۵ مارس ۱۹۷۸ جمهوری خلق چین– ماده ۱۲ قانون اساسی ۱۰ فوریه ۱۹۸۶ لهستان– ماده ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). (تقی زاده انصاری،۱۳۹۴ ، ۳۱)

در حوزه اسناد حقوق بشر نیز مباحث محیط زیستی با وجود جوان تر بودن موضوع از جایگاه ویژه ای برخوردار است. حقوق بشر با اصطلاح امروز بینش سابقه ای کوتاه دارد، اولین اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ منتشر شد. حقوق بشر در طول حدود ۵۰ سال در زمینه هایی مختلف

[۱۴] - Basel

توسعه یافته است. تمامی اسناد منتشره در سه گروه طبقه بندی شده اند شامل: نسل اول حقوق بشر شامل حقوق سیاسی، نسل دوم حقوق بشر شامل حقوق مدنی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، نسل سوم حقوق بشر شامل حقوق و توسعه و محیط زیست.

اعلامیه حقوق بشر در واقع سنگ زیرین حقوق بشر امروز به شمار می آید. این اسناد برای کشورهایی که آن را تصویب کرده اند لازم اتباع و الزام آورند. کشورهای عضو این معاهدات اعلام موافقت کرده اند تا از مواد آنها پیروی نموده و حقوق داخلی خود را مطابق آنها تغییر دهند و به صورت دوره ای از روند اجرایی و اقداماتی که در راستای پیروی از این اسناد انجام داده اند گزارش دهند.

بیانیه های دو کنفرانس استکهلم و ریو هم چنین از منابع حقوق محیط زیست بشر محسوب می شوند. در کنار این دو بیانیه، اسناد دیگری هم درباره حقوق توسعه و محیط زیست بشر دارای اهمیت هستند از جمله: گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه تحت عنوان آینده مشترک ما (۱۹۷۸) که در ۲۲ اصل برای حمایت از محیط زیست پایدار راهکارهای اجرایی و قانونی پیشنهاد کرده است، منشور جهانی طبیعت (۱۹۸۲) مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دستور کار برای توسعه پایدار، اسناد کمیسیون محیط زیست و توسعه شامل گزارش های پیگیری اجرای تصمیمات ملی، منطقه ای و بین المللی و سایر اسنادی که به وسیله این کمیسیون تهیه می شود. این گونه اسناد اگر چه جنبه الزام آور ندارند لیکن از این جهت که زمینه ساز تهیه پیش نویس معاهده درباره حقوق محیط زیست به شمار می آیند واجد اهمیت هستند.

۳ـ ٤ـ ارتباط محیط زیست و حقوق بین الملل

بحث محیط زیست و "حقوق محیط زیست" اگر چه فی نفسه شاخه ای از حقوق داخلی است ، اما در عصر حاضر به سبب پیشرفت صنعت و تکنولوژی که باعث به وجود آمدن مسائل زیست محیطی و آلودگی های فراوان شده، به مسأله فرامّلی، فرامرزی و بین المللی تبدیل شده است ؛ بدین سبب امروزه محیط زیست و حفاظت از محیط زیست، حوزه ی نسبتًا نوینی برای مقررات بین المللی به شمار می آید.

حقوق بین الملل جهت پاسخگویی به مسائل و مشکلات زیست محیطی جهانی و حل حقوقی آنها، اقدام به وضع قواعد و مقرراتی کرده که این امر، باعث پیدایش شاخه ای در حقوق بین الملل به نام« حقوق بین الملل محیط زیست» شده است. یکی از جدیدترین شاخه های حقوق بین الملل می باشد.

۳ـ ٥ـ حقوق بین الملل محیط زیست و پیدایش آن

حقوق بین الملل محیط زیست مجموعه قواعد حقوقی بین المللی است که هدف آن حفاظت از محیط زیست است.

مسائل و مشکلاتِ زیست محیطی باعث شد که ضرورت تدوین مقرراتِ زیست محیطی در سطح بین المللی، بیش از پیش احساس شود ،(زیاران،۱۳۹۳ ، ۵۵)از این زمان به بعد بود که نحوه ی نگرش و برخورد با مسأله ی محیط زیست کاملاً عوض شد و تحت فشار افکار عمومی کم کم جنبه ی بین المللی به خود گرفت، محیط زیست به عنوان یک مجموعه مطرح گردید. در سطح داخلی، متون قانونی برای حفاظت از محیط زیست افزایش چشمگیری یافت و دولت ها، نهادهای اداری ویژه ای را برای مقابله با آلودگی ایجاد نمودند. سازمان های بین المللی نیز به نوبه ی خود در مقابل مسائل مطروحه ی جدید، عکس العمل مناسب و قوی نشان دادند و فصلِ جدیدی آغاز شد. در ادامه تحول حقوق محیط زیست در حقوق داخلی و بین المللی به موازات یکدیگر صورت گرفت.

از سوی دیگر، چالش حفاظت از محیط زیست در سطح جهانی، تبدیل به عاملی قوی در جهت تحول مفاهیم بنیادین حقوق بین الملل گردید، اهمیت این موضوع هنگامی بهتر درک می شود که توجه نماییم مسائل مربوط به محیط زیست بیش از پیش جنبه ی بین المللی پیدا کرده و با این نگرش به آن نگاه می شود. عناصر مختلفی در بین المللی شدن مبارزه بر علیه آلودگی محیط زیست نقش دارند، مانند :آبو هوا، پرندگان و غیره .(زیاران،۱۳۹۳ ، ۵۷)

۳ـ ۵ـ کنوانسیونها

کنوانسیون سازمان بین المللی آب نگاری (هیدروگرافی)

سازمان بین‌المللی هیدروگرافی[۱۵] در ژوئن ۱۹۲۱ پس از برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی که بنا به دعوت اداره دریانوردی انگلستان در لندن تشکیل شد، پایه‌گذاری گردید. مقر این سازمان شهر موناکو است و هر پنج سال یک بار اجلاسی متشکل از هیأت‌های عضو تشکیل می‌دهد و جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از اعضای آن است. سازمان بین‌المللی هیدروگرافی، یک سازمان تخصصی مشورتی است و در ادارات هیدروگرافی کشورهای عضو هیچگونه مداخله‌ای ندارد و کشورهای عضو در امور مربوط به نقشه‌برداری و ترسیم آب‌های دریایی خود دارای استقلال کامل هستند. اهداف این سازمان عبارت است از:

- هماهنگ کردن فعالیت‌های هیدروگرافی (آب‌نگاری و نقشه‌برداری دریایی) بین کلیه کشورهای عضو به منظور تقویت ایمنی دریانوردی
- یکنواخت کردن نقشه‌های دریایی
- اتخاذ روش‌های موثر و قابل اعتماد جهت انجام بررسی‌های هیدروگرافی
- توسعه و پیشرفت علوم مربوط به هیدروگرافی و تکنیک‌های اقیانوس‌شناسی
- تبادل اطلاعات فنی از طریق انتشار بولتن‌ها و سایر نشریات علمی

کنوانسیون مربوط به سازمان بین المللی هیدرونگاری مشتمل بر یک مقدمه و ۲۳ ماده و یک آئین نامه عمومی و یک آئین نامه مالی است که در سال ۱۹۶۷ میلادی از طرف نهمین کنفرانس بین المللی دفتر آبنگاری تصویب گردید. اثر تصویب کنوانسیون مربوط به سازمان بین المللی هیدروگرافی دولتهای شرکت کننده ایجاد دفتر بین المللی هیدروگرافی با تکمیل نمودن نقشه ها و مدارک دریایی به منظور به وجود آوردن امنیت و ایجاد تسهیلات بیشتر در امر کشتیرانی در جهان و ادامه همکاری در زمینه هیدروگرافی، بر اساس بین الدول می باشد. مقر سازمان در موناکو می باشد. این کنوانسیون در سال ۱۳۴۷ در مجلس سنای ایران به تصویب رسید.[۱۶]

کنوانسیون بین المللی حفظ نباتات (همراه با متن تجدید نظرشده)

این کنوانسیون دارای یک مقدمه، پانزده ماده و یک پیوست می باشد. هدف و مسئولیت این کنوانسیون ایجاد اقدامات همگانی و موثر در جلوگیری از ورود و شیوع آفات و بیماری های مربوط به نباتات و محصولات نباتی و تقویت اقدامات لازم برای مهار کردن آنها است. دولتهای متعاهد، تعهد می کنند که اقدامات قانونی فنی و اداری را طبق مقررات این کنوانسیون و مقررات تکمیلی که به موجب آن مورد توافق دول متعاهد قرار گرفته است، معمول دارند. این کنوانسیون در سال ۱۳۵۱ به تصویب مجلس سنا ایران رسید. متن تجدید نظر شده کنوانسیون حفظ نباتات مصوب بیست و نهمین اجلاس سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد (فائو) مورد پذیرش ایران قرار گرفت و در سال ۱۳۸۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی ایران رسید. این کنوانسیون شامل مقدمه و بیست و سه ماده و یک پیوست می باشد. در تبصره ۲ این قانون آمده است که از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون (مصوب مجلس) متن پیوست قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون بین المللی حفظ نباتات

---

[۱۵] . International Hydrographic Organization

[۱۶] . http:// www.doe.ir/portal/ghavanin

۱۳۵۱ را کان لم یکن تلقی می گرداند. بر اساس این عهدنامه، هر کشوری حق دارد برای جلوگیری از ورود، انتشار، استقرار عوامل خسارت زای گیاهی، ضوابط قرنطینه نباتی و موازین بهداشت گیاهی وضع و اعمال کند.[۱۷]

کنوانسیون مربوط به تالاب های مهم بین المللی (کنوانسیون رامسر)

تالاب ها جزو پیچیده ترین و زنده ترین اکوسیستم های جهان هستند که می توان آنها را از این نظر با صخره های مرجانی و جنگل های استوایی مقایسه کرد. تالابها می توانند میزبان تنوع وسیعی از گونه های میکروبی، گیاهان، حشرات، دوزیستان، خزندگان، پرندگان، ماهی و پستانداران باشند. همه این گونه ها، ارتباط نزدیکی به یکدیگر دارند که یک چرخه حیاتی و مجموعهٔ پیچیده ای از واکنش های متقابل را شکل می دهند. اگر یک گونه ای حذف شود، کل شبکه اکولوژیکی در خطر است که می تواند در طی زمان منجر به فقدان کل یک اکوسیستم شود. به همین دلیل، حفاظت از زیستگاههای تالاب به منظور حفظ تنوع زیستی داخلی و جهانی بسیار حیاتی است. همانطور که تالابها نقش حیاتی در همه چرخه های طبیعی دارند، مزاحمت های انسانی بر فرآیندهای طبیعی تاثیر گذارهستند. برای مثال این تاثیرات شامل فقدان و نابودی آب آشامیدنی، تجزیه و نابودی زیستگاهها، از بین رفتن گونه های جانوری گیاهی، افزایش بلایای طبیعی و تاثیرگذاری بر تغییرات آب و هوایی می شود. کنوانسیون رامسر، به عنوان تنها کنوانسیون جهانی پایه گذاری شده در ایران، قدیمی ترین معاهده بین الدولی جهانی با تاکید بر حفاظت و استفاده پایدار از طبیعت و تنها کنوانسیون بین المللی حفاظت از تالاب هاست. گرچه نام رسمی کنوانسیون «کنوانسیون تالاب های با اهمیت بین المللی به ویژه به عنوان زیستگاه پرندگان آبزی» است، ولی طی گذشت سال ها، کنوانسیون نگرش خود را چنان گسترش داده که تمام ابعاد حفاظت و استفاده معقول و پایدار از تالاب ها را در بر می گیرد. از این رو به «کنوانسیون حفاظت از تالاب ها» یا «کنوانسیون رامسر[۱۸]» شهرت دارد .

کنوانسیون رامسر در دوم فوریه ۱۹۷۱ منعقد و در ۲۱ دسامبر ۱۹۷۵ لازم الاجرا شد. محل انعقاد این کنوانسیون شهر رامسر ایران، محل دبیرخانه آن شهر گلاند سوییس و مرجع نگهدارنده اسناد، سازمان جهانی یونسکو است و اجلاس های آن موسوم به «کنفرانس کشورهای عضو» هر سه سال یکبار درباره موضوعات، خط مشی و ارائه گزارش فعالیت های سه سال گذشته در خصوص حفاظت از تالاب ها برگزار می شود. این معاهده ۱۶۰ کشور عضو را ملزم به تعیین و حفظ تالاب های با اهمیت بین المللی و تشویق به استفاده معقول از آنها می نماید. بنابراین کنوانسیون رامسر اولین معاهده ای است که به شناسایی تالابها به عنوان یکی از سازنده ترین منابع حمایتی اکولوژی بر روی زمین عمل کرده است. این کنوانسیون در سال ۱۳۵۲ توسط مجلس ایران تصویب گردید[۱۹].

کنوانسیون همکاری منطقه ای کویت در مورد حفاظت از محیط زیست دریایی در برابر آلودگی[۲۰]

منطقه کویت از منابع طبیعی با ارزش و تنوع زیستی بزرگی از گونه های جانوری و گیاهی برخوردار است. با همه این منابع با ارزش، منطقه کویت با محدودیت های آب و هوایی بزرگ و چالشهای عمده ای در حوزه توسعه روبه رو است. آبهای دریایی این منطقه کم عمق و محصور به خشکی هستند و آبهای این منطقه به میزان بسیار زیادی دارای نمک و با دمای هوای بسیار بالا است. میزان تبخیر در منطقه بسیار بالا و

---

۱. مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی(قوانین) http://rc.majlis.ir/fa/law

[۱۸] . (Convention on wetlands of international importance especially as waterfowl habitat ponds (Convention on Wetlands) – Ramsar 1971

[۱۹] . http://www.ghavanin.ir/detail.asp?id=6997

[۲۰] . Kuwait Regional Convention for Cooperation of the Marine Environment from Pollution

عرضه آب سالم در حال کاهش است. علاوه بر این، در این منطقه به دلیل تمرکز زیاد تاسیسات نفتی در نزدیکی سواحل، بیشترین میزان خطر آلودگی نفتی از سوی کشتیها در این منطقه وجود دارد. تاسیسات نفتی نزدیک سواحل در منطقه داخلی دریا قرار دارد که دارای اکوسیستم بسیار خوبی است. این منطقه همراه با سطوح بالاتری از آلاینده ها، درصد شوری بیشتر و دمای بالاتری است. رشد صنعتی در منطقه کویت همراه با رشد بالای جمعیت و شهری شدن سریع منجر به تاثیر گذاری زیاد منابع زمین محور در آلودگی آبهای ساحلی منطقه شده است. برای بررسی این مشکلات هشت دولت منطقه در سال ۱۹۷۸ کنوانسیون همکاری منطقه ای کویت در مورد حفاظت محیط زیست دریایی از آلودگی و همچنین برنامه ی عملی در چارچوب این کنواسیون تصویب کردند که این کنوانسیون ها را به یکی از اولین موافقتنامه های دریایی منطقه ای تبدیل می کند. کنوانسیون کویت در ساال ۱۹۷۹ لازم الاجرا گردید.

همانطوری که در ماده دوم این کنوانسیون آمده است، کنوانسیون کویت مرتبط به دریای منطقه ای کویت است و نسبت به آبهای داخلی اعضاء اعمال نمی گردد. در مقدمه این کنوانسیون اعضاء خطرات رو به رشد آلودگی برای حیات دریایی، ماهیها، سلامت بشر و کاربردهایی از قبیل گردشگری در سواحل را مورد شناسایی قرار دادند. اعضای این کنوانسیون آلودگی ناشی از تخلیه نفت و دیگر مواد خطرزای ناشی از فعالیتهای انسانی در زمین و دریا را مورد شناسایی قرار دادند. اعضای این کنوانسیون نیاز به تصویب یک رویکرد توسعه یکپارچه برای استفاده محیط زیست دریایی و فضاهای ساحلی که به اعضا برای دستیابی به اهداف توسعه ای و محیط زیستی را همواره اجازه دهد مورد شناسایی قرار داده است. هدف کنوانسیون کویت توانمند سازی اعضاء برای انجام فعالیتهای صنعتی و دیگر اهداف توسعه ای با استفاده از روشهایی است که به محیط زیست آسیب وارد نکند. بنابراین همانطور که در ماده ۳ این کنوانسیون اشاره شد، یکی از اهداف کلیدی کنوانسیون کویت کاهش و مبارزه با آلودگی محیط زیست دریایی در منطقه است.

کنوانسیون کویت به منظور حصول اهداف مورد نظر خود هر چند که به صورت خاص در ارتباط با قانونگذاری و وضع مقررات برای آلودگی های ناشی از زباله های خطرناک نیست، اما به دنبال کنترل آلودگی محیط زیست دریایی ناشی از کشتی ها، تخلیه زباله های کشتیها و هواپیماها، منابع زمینی و آلودگی ناشی از دیگر فعالیت های بشر است. در بین تعهدات گوناگونی که این کنوانسیون برای اعضا خود مطرح کرده است، از هر یک از اعضا درخواست کرده که در خصوص هر یک از فعالیتها و پروژه هایی که دولتها می خواهند در کشورشان انجام دهند، بخصوص پروژه هایی که در مناطق ساحلی آنها انجام خواهد شد، اقدام به انجام ارزیابی از تاثیرات محیط زیستی بالقوه این فعالیتها کنند و اطلاعات حاصل از این ارزیابی ها را منتشر کنند کنوانسیون کویت در بردارنده برنامه عملیاتی منطقه ای کویت است که عمدتاً برنامه آلودگی های نفتی، زباله های صنعتی، فاضلاب و منابع دریایی را پوشش می دهد. برای اجرا و هماهنگی این فعالیتهای برنامه ریزی شده، ماده ۱۶ این کنوانسیون، سازمان منطقه ای برای حفاظت از محیط زیست دریایی موسوم به راپم (RAPMI) را به منظور فراهم کردن چهارچوب نهادی جهت اجرای اقدامات مورد نیاز براساس این کنوانسیون، تاسیس کرده است. در مورد حل و فصل اختلافات در این کنوانسیون عنوان شده است که اگر مورد اختلاف از طریق صلح آمیز حل و فصل نشد، کمیسیونی تحت عنوان کمیسیون قضایی حل و فصل اختلافات تاسیس و به حل و بررسی اختلاف بپردازد. این کنوانسیون مصوب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۵۸ می باشد[۲۱].

کنوانسیون آلودگی دریایی ناشی از اکتشافات و استخراج از فلات قاره

اعضای کمیسیون منطقه ای کویت برای همکاری درباره حمایت از محیط زیست دریایی در برابر آلودگی و امضا کنندگان پروتکل همکاری منطقه ای برای مبارزه با آلودگی ناشی از نفت و مواد مضر، دولتهای متعاهد را تشکیل می دهند. کنوانسیون حقوق دریاها مقرر می دارد که

[۲۱] . http://www.ghavanin.ir/detail.asp?id=22899

دولتها باید به طور فردی یا جمعی تدابیری اتخاذ کنند تا آلودگی اجتماعی ناشی از تاسیسات و تجهیزات بکار رفته شده در اکتشافات و بهره برداری از منابع طبیعی بستر و زیر بستر دریاها به حداقل برسد[۲۲]. آنها باید تدابیری اتخاذ می نمودند تا از تصادفات پیشگیری کرده و با برنامه ریزی برای وضعیت های اضطراری از ایمنی عملیات در دریا مطمئن شوند و طراحی، احداث تجهیز، عملیات و اداره چنین تاسیسات یا تجهیزاتی را قاعده مند نمایند. کلیه معاهدات دریاهای منطقه ای نیز این اصول را تصدیق کرده اند. مرجع نگهداری اسناد، دولت کویت می باشد. این کنوانسیون شامل یک مقدمه و پانزده ماده است که در سال ۱۳۷۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تائید شورای نگهبان در ایران رسیده است[۲۳].

نتیجه گیری

امروز حفاظت از محیطزیست یکی از دغدغه‌های بزرگ جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود .ابعاد جهانی آلودگی‌های زیست‌محیطی، موجب اتخاذ تدابیر موثری در سطح بین‌المللی شده است. در سطح جهانی برای مبارزه با مشکل تخریب محیط زیست اقداماتی انجام گرفته است. علاوه بر این، در داخل کشور ما هم مقررات مختلف به این مهم پرداخته‌اند. از جمله اصل پنجاهم قانون اساسی ایران مقرر می‌کند: در جمهوری اسلامی ایران، حفاظت محیطزیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیطزیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است. بدین ترتیب می‌توان گفت که عالی‌ترین قانون موجود در کشور، بر اهمیت حفاظت از محیط زیست تاکید کرده است و با کسانی که تهدیدی برای آن محسوب شوند برخورد می‌شود. در برخی از قوانین پراکنده، جرایم زیست محیطی پیش‌بینی شده است که مراد از آن این است که . در تعریف چنین جرایمی آورده‌اند که جرایمی هستند که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطر افتادن جدی و سلامت بشر می‌شوند. با این وجود، هنوز به نظر می‌رسد که قوانین در این خصوص دارای نواقص و محدودیت‌هایی باشند. برخورد قاطع و سریع با مجرمانی که جرایم آنها به محیط زیست آسیب می‌زند، می‌تواند در کاهش این دسته از جرایم نقش پیشگیرانه داشته باشد.

قوانین، آیین‌نامه‌ها و مصوبات فراوانی به تصویب مقنن رسیده تا محیط زیست را از تخریب محافظت کند. اغلب این قوانین، اقدام به جرم‌انگاری فعالیت‌های مخرب محیط زیست کرده‌اند و مفهومی به نام «جرایم زیست محیطی» را ایجاد کرده‌اند .در تعریف چنین جرایمی، آورده‌اند که جرایمی هستند که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطر افتادن جدی و سلامت بشر می‌شوند.

آنچه از وضع قوانین و مقررات برمی‌آید، نشان می‌دهد که حقوق برای حفظ طبیعت عزم خود را جزم کرده، حجم وسیعی از قوانین در این رابطه تصویب شده و از سوی دیگر، رشته حقوق محیطزیست هم در سطح کارشناسی ارشد راه‌اندازی شده تا مشکل کمبود نیروی انسانی متخصص در این حوزه را برطرف کند. اما واقعیات نشان می‌دهد که هنوز کشور ما جایگاه قابل قبولی در حفاظت از زیست بوم در سطح جهانی ندارد.

سازمان حفاظت محیط زیست، متولی مستقیم امر محیطزیست در ایران است. مهم‌ترین اهداف این سازمان اقداماتی مثل تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور حفاظت از محیطزیست و تضمین بهره‌مندی درست و مستمر از آن و حفاظت از تنوع زیستی کشور است. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست از جمله وظایف این سازمان را پیشگیری و ممانعت از آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب بر هم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود، می‌داند.

در کنار سازمان‌های دولتی، سازمان‌های خودجوش غیر دولتی به وجود آمده‌اند که در حفظ محیط زیست تلاش می‌کنند، ازجمله NGOهای زیست محیطی، رشد کمی خوبی داشته‌اند. اما رشد کیفی این تشکل‌ها نتوانسته است چون رشد کمی آنها منحنی رو به بالایی داشته باشد که باید

---

[۲۲] . United Nations Convention on the Law of the Sea -1982

[۲۳] . http://rc.majlis.ir/fa/law/show/91947

مورد بررسی قرار گیرد. عدم وابستگی به بودجه دولتی و ایجاد بسترهای مناسب برای توانمند سازی سازمان‌های مردم‌نهاد، دادن آزادی عمل به آنها برای فعالیت‌های آموزشی، اجتماعی و فرهنگی و به رسمیت شناختن سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان نهادهای غیردولتی و غیرسیاسی، می‌تواند تشکل‌های زیست محیطی را به مهم ترین اهرم‌های اجرایی در رفع مشکلات زیست محیطی جامعه بدل کند. این سازمان‌های مردم نهاد، برای فعالیت می‌توانند در سازمان محیطزیست یا وزارت کشور یا سازمان ملی جوانان به ثبت برسند.

در کنار سازمان‌های دولتی و غیردولتی حامی محیطزیست، باید از قوانینی یاد کرد که محتوا و روش حمایت از محیطزیست را نشان می‌دهند. حوزه‌های مختلف محیط زیست، صاحب قانون شده‌اند. آب‌ها، هوا، گونه‌های جانوری، اکوسیستم‌هایی مثل دریاچه خزر و... همه صاحب مقرراتی هستند که با هدف جلوگیری از آلودگی وضع شده‌اند. به عنوان نمونه می‌توانیم از قانون و آیین‌نامه «جلوگیری از آلودگی» هوا نام ببریم. مطابق آماری که اعلام شده، سالانه ۴ هزار شهروند در تهران به دلیل آلودگی هوا جان می‌دهند. آلودگی هوا که چند بار در سال به نقطه بحرانی می‌رسد، مشکلی پیش روی شهروندان تهرانی است. مطابق قانون، جلوگیری از آلودگی هوا منظور از آلودگی هوا، عبارت است از وجود و پخش یک یا چند آلوده کننده اعم از جامد، مایع، گاز، تشعشع پرتوزا و غیر پرتوزا در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوری که زیان‌آور برای انسان و یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد. این قانون ۳ دسته اصلی از منابع آلوده کننده هوا را نام می‌برد و برای آنها مقرراتی وضع می‌کند. این ۳ گروه، وسایل نقلیه موتوری، کارخانجات، کارگاه‌ها، نیروگاه‌ها، منابع تجاری، خانگی و منابع متفرقه هستند. مطابق این قانون، دارندگان وسایل نقلیه موتوری مکلفند همه ساله وسایل نقلیه خود را در مراکز مورد تایید سازمان حفاظت محیطزیست که توسط شهرداری‌ها ایجاد می‌شود، تحت آزمایش و معاینه قرار داده و گواهینامه مبنی بر رعایت حد مجاز آلودگی را دریافت کنند، در غیر این صورت، از تردد وسایل نقلیه فاقد گواهینامه مذکور، به ترتیبی که در آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین می‌شود، جلوگیری خواهد شد. وسایل نقلیه موتوری که از استانداردهای لازم برخوردار نباشند، شماره‌گذاری نخواهند شد. یکی از دلایلی که دامن پیکان را گرفت و موجب خروج این محصول از چرخه تولید ایران خودرو شد، همین ایراد آلایندگی بود .

کارخانه‌ها و کارگاه‌ها از دیگر منابع عمده آلاینده هستند. برای کنترل آنها نیز قانونگذار مقرراتی را وضع کرده، مطابق قانون احداث نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها، کارخانجات پتروشیمی، کارخانجات صنایع نظامی، فرودگاه‌ها و ترمینال‌های بارگیری، موظف به رعایت ضوابط و معیارهای سازمان حفاظت محیطزیست از لحاظ محل استقرار هستند. همچنین برای جلوگیری از آلوده کردن محیطزیست توسط واحدهای تجاری و خانگی نیز محدودیت‌ها و مجازات‌هایی پیش‌بینی شده است. به طور مثال سوزاندن و انباشتن زباله‌های شهری و خانگی و هر گونه نخاله در معابر عمومی و فضای باز ممنوع است.

با وجود بایدها و نبایدهایی که قانونگذار برای جلوگیری از آلوده شدن هوا وضع کرده، هنوز آمار قربانیان آلودگی‌های محیطی زیاد است. جبران خسارت این افراد، می‌تواند موضوع اختلاف باشد، برخی از مسئولان قوه‌قضاییه سخن از پرداخت دیه به بازماندگان قربانیان کرده‌اند. یعنی اگر پزشکی قانونی آلودگی هوا یا مسمومیت ناشی از آلودگی را به عنوان عامل مرگ فردی اعلام کند، بازماندگان متوفی می‌توانند به دادگاه شکایت کنند و از دستگاه‌های مسئول، درخواست خسارت کنند.

مطالعه و تحقیق در مورد اصول و مقررات حقوقی محیط زیست بین المللی نشانگر آن است که، یافته‌های علمی جدیدی در زمینه مقررات محیط زیست در حال پیدایش و تحول می‌باشند، تا به امروز برخی از اصول و مقررات حقوقی محیط زیست بین المللی ثابت و تصویب شده و برخی دیگر نیز در حال تدوین می‌باشند. تا زمان انقلاب صنعتی فقط موضوعاتی مانند سیل، زلزله، قحطی و طاعون تهدیدات مستمر در سطح بین المللی محسوب می‌شدند.

ولی اکنون مساله تخریب بین المللی محیط زیست به عنوان یک تخلف از حقوق بین المللی عرف به رسمیت شناخته شده است و تعداد کثیری از قراردادها و عهدنامه‌های دو جانبه و چند جانبه بین دولت‌ها برای اجرای اصول و قواعد بین المللی پیش بینی شده و قابل اجرا می‌باشد. با این حال، فقدان یک مرجع قانونی بین المللی موثر جهت برخورد مناسب با جرایم محیط زیست کاملا مشهود است.

اگر چه محیط زیست صحنه صف آرایی نیروهای متخاصم بوده و بر همین اساس هم آسیب پذیری آن از مخاصمات غیرقابل اجتناب می‌باشد؛ لکن مقررات بین المللی حقوق بشردوستانه مترصد آن بوده اند که با تصویب مقرراتی سطح صدمات و خسارات وارده به محیط زیست را به وضعیت قابل تحمل برسانند. علت عمده این تلاش‌ها نیز به این خاطر بوده که آسیب جدی به محیط زیست می‌تواند مانع اقدامات لازم برای محافظت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه مانند مجروحین، بیماران، اسیران جنگی و یا غیرنظامیان شود. با عنایت به این مهم و تخریب گسترده محیط زیست در اثر تولید و استفاده فزاینده از تسلیحات پیشرفته، کشورها و سازمان‌های بین المللی به ویژه در دهه‌های اخیر سعی نموده اند با ایجاد هم گرایی‌ها و کنوانسیون–های مختلف، محدودیتهایی را در راستای حمایت از محیط زیست به وجود آورند. در همین راستا اسناد مختلفی از جمله کنوانسیون (EN-MOD)در سال ۱۹۷۶، اعلامیه استکهلم در سال ۱۹۷۲ و اعلامیه ریو در سال ۱۹۹۲ که نشان دهنده همگرایی‌های بین المللی در زمینه حفاظت از محیط زیست می‌باشد، به وجود آمد. با این حال تلاش‌های بین المللی در ایجاد اسناد مزبور خلاصه نشده بلکه در خلال اسناد دیگر بین المللی و منطقه‌ای نیز هر چند به صورت غیر متمرکز این حمایت‌ها مطمح نظر تابعان حقوق بین الملل بوده است.

کنوانسیون EM-MOD که در ارتباط با حفاظت از محیط زیست طبیعی در برابر تغییرات می‌باشد جزو اسناد مهمی به شمار می‌رود که به دنبال فجایعی که ایالات متحده در جنگ ویتنام علیه مخفی گاه‌های ویت گانقها –که در جنگل‌ها قرار داشت– انجام داد تدوین گشت. آمریکا با پاشیدن عامل نارنجی باعث تخریب گسترده محیط زیست طبیعی و نابودی جنگل‌ها شده و اثرات غیرقابل جبرانی را بر محیط زندگی افراد ساکن در این مناطق بر جای گذاشت که هم اکنون نیز با تولد کودکان ناقص الخلقه همچنان اثرات خود را بروز می‌دهند. بروز فجایع اینچنینی باعث گردید تا تدوین کنندگان اساسنامه دیوان کیفری بین المللی تخریب محیط زیست را در زمره جنایات جنگی قرار دهند .بر اساس ماده ۸ اساسنامه «انجام عمدی حمله‌ای با علم به اینکه چنین حمله‌ای باعث تلفات جانی یا آسیب به غیرنظامیان یا خسارات به اهداف غیرنظامی یا آسیب گسترده، درازمدت و شدید به محیط زیست گردد جزو جنایات جنگی محسوب خواهند شد.

بررسی اسناد بین المللی نیز موید آن است که در ارتباط با حمایت بین المللی از محیط زیست دو دسته از اسناد و مقررات در صحنه بین المللی وجود دارد. گروهی از این اسناد که جزو اسناد و مقررات حقوق بشردوستانه محسوب نمی–شوند به صورت مطلق و به عنوان اصول و قواعد کلی به حمایت از محیط زیست و یا عناصر خاصی از آن پرداخته‌اند. گروه دیگری از اسناد و مقررات نیز وجود دارند که جزو منابع معاهداتی حقوق بشردوستانه محسوب می‌شوند و در زمان بروز مخاصمات مسلحانه تکالیف طرفین درگیر در جنگ را در رابطه با حفاظت از محیط زیست در برابر تخریب و آلودگی بیان داشته‌اند، که ذیلاً به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرند.

اسنادی که در ارتباط با جنگ‌های داخلی تدوین یافته اند نسبت به اسناد مربوط به جنگ‌های بین المللی محدود و دارای توسعه یافتگی کمتری می‌باشند ماده ۳ مشترک کنوانسیونهای ژنو و پروتکل الحاقی دوم به کنوانسیونهای ژنو عمده ترین مقررات در ارتباط با مخاصمات مسلحانه داخلی را در خود جای دادند. هر چند در مقررات پروتکل الحاقی دوم حمایت مستقیمی از محیط زیست در جریان مخاصمات مسلحانه صورت نگرفته با این حال به صورت غیرمستقیم می‌توان این حمایت را از ماده ۱۴ همین پروتکل به دست آورد. در این مقرره بدون نام بردن از واژه محیط زیست تخریب و از بین بردن برخی عناصر محیط زیست که ارتباط مستقیمی با محیط زیست دارند ممنوع اعلام گردیده است.

توجه به گستره و شدت آلودگی‌ها و تخریب عناصر تشکیل دهنده‌ی محیط زیست، جامعه‌ی بین المللی را به تدوین و تنظیم قوانین و مقررات گوناگونی سوق داده است. با توجه به دامنه و ابعاد مسایل و مشکلات زیست‌محیطی کشور و همچنین محدودیت منابع مالی و نیروی انسانی، لازم است تا اولویت‌ها براساس اطلاعات و فرآیندها شناخته شوند و مستندات علمی و همچنین میزان توجه افکار عمومی تعیین و براساس این اولویت‌ها، راهبردها و سیاست‌های اجرایی تدوین شوند. از این رو، لازم است در اولویت‌بندی به این موضوع‌ها توجه شود از سوی دیگر، امروزه در نسل بندی حق‌ها در حقوق بشر، نسل سوم حقوق بشر را حقوق همبستگی می‌دانند که شامل حق توسعه، حق برخورداری از محیط زیست سالم و حقوقی مانند حق تعیین سرنوشت است. اسناد فراملی گوناگونی به حق نسلهای آینده نسبت به محیط زیست اشاره دارند (مانند اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم، اصل ۳ اعلامیه ریو، بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون تغییرات آب و هوایی). برابر مقدمه کنوانسیون تنوع گونه‌های زیست، حفظ تنوع زیستی

مساله تمام بشریت است. وانگهی اصل اقدام‌های احتیاطی تضمین گر حق نسل‌های آینده نسبت به محیط زیست است. بشر به طور عام و تولیدکنندگان به طور خاص، تنها بخشی از پیکره زیست کره هستند. قربانی کردن طبیعت به بهانه نبود دانش فنی و علمی یا نبود هر نوع قطعیت علمی با اصول زیست محیطی هم خوانی ندارد. اصل اقدام‌های احتیاطی درصدد بیان این نکته اساسی است که حوادث و مخاطرات زیست محیطی خبر نمی‌کند و نباید به انتظار وقوع خطر ماند و سپس تدابیر درمان لازم را اتخاذ نمود. بنابراین نظر به برتری پیشگیری بر درمان، اصل اقدام‌های احتیاطی به مدیریت پیشاپیشی خطر می‌اندیشد. توسعه پایدار اقتضا دارد خطرهای توسعه در فرآورده‌های زیان بار به محیط زیست به حداقل برسد و چنین توسعه‌ای تنها با لزوم توجه به اصل اقدام‌های احتیاطی دست یافتنی است زیرا زیان‌های وارد بر محیط زیست مانند از بین رفتن اکوسیستم‌های طبیعی و جشم اندازهای زیست محیطی با هیچ مبلغی قابل جبران نیستند و اعاده وضعیت طبیعت به حالت پیشین ممکن نیست. اصل احتیاط آینده نگر است. در مسئولیت مدنی نیز لزوم توجه به این /اینده نگری برای حفظ ایمنی غذایی و سلامت انسان احساس می‌شود و آرای دادگاه‌های داخلی اروپا و دادگستری اروپا در این راستا گام‌های مهمی برداشته‌اند. پذیرش راه حلهای ترمیمی، بیمه اجباری مسئولیت متصدیان صنایع نوین و ایجاد صندوقهای جبران خسارت کمترین انتظار شهروندان از قانونگذار برای مقابله با مخاطرات زیست محیطی نوین است. صندوقهای جبران خسارت اگرچه گام مهمی در قضازدایی و جبران بخش اندکی از خسارت زیستمحیطی است ولی شرایط جبران خسارت از جانب این صندوقها باید به گونه‌ای باشد که تولیدکنندگان انگیزه کافی برای انجام مراقبت متعارف داشته باشند زیرا در اخلاق انسانی زیست بوم گرا مبادله خطر با پول امری نکوهیده است و زیانهای واقعی وارده بر محیط زیست را جبران نمی‌کند. ایجاد انگیزه‌های مالیاتی نیز می‌تواند در پیشگیری یا کشف خطرهای ناشناخته مفید باشد؛ با این توضیح که قانونگذار هزینه پژوهشهایی که تولیدکنندگان صَرف شناسایی و پیشگیری از زیانهای احتمالی وارد بر محیطزیست مینمایند را از مالیات آنان کسر نماید تا از این راه شرکتها ترغیب به پژوهش‌های تازه به منظور بالابردن سطح ایمنی و حفاظت از محیط زیست گردند. در حقوق ایران نهاد دستور موقت می‌تواند در پیشگیری از گسترش زیان‌های ناشی از فراورده‌ها موثر باشد و توجه دکترین حقوقی و قانون گذار ایرانی به مفهوم اصل اقدام‌های احتیاطی می‌تواند تسهیل گر پیشگیری از زیان‌های احتمالی باشد. رویه قضایی باید درباره عنصر لزوم اثبات قطعیت ورود زیان انعطاف بیشتری نشان دهد و در جایی که دامنه خطر احتمالی شدید باشد دعاوی پیشگیرانه را با انعطاف بیشتری بپذیرد.

منابع

کتب

۱. آذرنگ، عبدالحسین. (۱۳۹۴). تکنولوژی و بحران محیط زیست، چاپ اول. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲. آقایی، بهمن،(۱۳۹۶)، حقوق بین الملل دریاها و مسائل ایران، کتابخانه چاپ اول، تهران،انتشارات گنج دانش.
۳. اسدی، محمدرضا. (۱۳۹۴). محیط زیست و منابع طبیعی؛ مسائل سیاست جهانی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
٤. ابراهیم گل، علیرضا ،(۱۳۹۱)، مسئولیت بین الملل دولت ها، تهران: شهر دانش جلد ۱
٥. امینی، لیلا. (۱۳۹۸). مسئولیت بین المللی دولتها در قبال آلودگی محیط زیست، چاپ اول. تهران: نشر خط سوم.
٦. بک، اولریش. (۱۳۸۹).جامعه در مخاطره جهانی، چاپ اول. ترجمه محمدرضا مهدی زاده.چاپ اول. انتشارات کویر.
۷. تریف، تری. (۱۳۹۱). رویکرد زیست محیطی؛ مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، ترجمه اصغر افتخاری. تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. تیرل، وال. (۱۳۹۸). رشد و توسعه، چاپ اول. ترجمه منوچهر فرهنگ و فرشید مجاور حسینی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۹. دالبی، سیمون. (۱۳۹۰). ژئوپلتیک زیست محیطی؛اندیشه‌های ژئوپلتیکی در قرن بیستم، چاپ دوم. ترجمه محمدرضا حافظ نیا و هاشم نصیری. تهران: نشر زوارت امور خارجه

۱۰. شولتز، ریچارد. (۱۳۹۶). رویکردهای جدید در مطالعات امنیت، چاپ دوم. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. قوه قضاییه،(۱۳۸۴)، مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق محیط زیست، انتشارات برگ زیتون، تهران.
۱۲. کاشیان و ارغند،بی تا، همکاری بین الملل، از حقوق بین المللی تا حقوق بین الملل محیط زیست ، تهران ، انتشارات شمت.
۱۳. مک کین لادی، آردی و دیگران. (۱۳۹۰). امنیت جهانی، رویکردها و نظریه‌ها، چاپ سوم. ترجمه اصغر افتخاری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱٤. مویر، ریچارد. (۱۳۹۹). درآمدی بر جغرافیای سیاسی، چاپ دوم. ترجمه دره میر حیدر. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۵. والگر، جان. (۱۳۹۱). محیط زیست و منابع طبیعی؛ مسائل سیاست جهانی، چاپ اول. ترجمه محمد کمال سروریان. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

مقالات

۱٦. امیر ارجمند، اردشیر. (۱۳۹۰). حفاظت از محیط زیست و همبستگی ملی.مجله تحقیقات حقوقی. شماره ۱۵.
۱۷. بیات، سمیه. (۱۳۸۵). اجلاس‌های توسعه پایدار. ماهنامه راه فردا. شماره ۷.
۱۸. تقی زاده انصاری، مصطفی و مونا فائقی راد. (۱۳۸۹). مسئولیت بین المللی دولتها در حفاظت از محیط زیست. دو فصلنامه کانون وکلای دادگستری گیلان. سال دوم. شماره ۴ .
۱۹. رضایی، رحیم. (۱۳۹۸). محیط زیست و توسعه پایدار. ماهنامه کاوش، شماره ۲۴.
۲۰. زیاران، بزرگمهر،۱۳۹۳ ، « توسعه ی حقوق بین الملل محیط زیست، مسئولیت دولتها و حل مسالمت آمیز اختلافها» مجله ی سیاست خارجی، سال هشتم، شماره۳.
۲۱. زاهدی، شمس السادات. (۱۳۹۴). جهانی شدن و توسعه پایدار. ویژه نامه موسسه ابرار معاصر تهران. شماره۷.
۲۲. سیم بر، رضا. (۱۳۹۳). حقوق بشر در چارچوب محیط زیست. فصلنامه اطلاعات سیاسی – اقتصادی. شماره ۲۰۱ و ۲۰۲.
۲۳. سیدنورانی، سیدمحمد رضا و دیگران. (۱۳۹۱). جهانی شدن و محیط زیست. فصلنامه اطلاعات سیاسی – اقتصادیحقوق محیط زیست اروپا، «کنفرانس بین المللی توسعه پایدار، راهکارها و چالش ها با محوریت کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست و گردشگری، تبریز، اسفند ماه.
۲٤. علوی تبار، پرویز. (۱۳۹۰). جامعه شناسی محیط زیست.فصلنامه تحقیقاتی محیط زیست. سال سوم، شماره ۴.
۲۵. میرحیدر، دره. (۱۳۹۲). سیاست و محیط زیست؛ مورد آلودگی شهر تهران. فصلنامه ژئوپلتیک. سال چهارم. شماره ۳ .
۲٦. نصری مشکینی، محمدرضا. (۱۳۹۷). تحولات زیست محیطی و امنیت بین الملل. فصلنامه سخن. سال اول. شماره ۲ .

منابع لاتین

۲۷. Kiss, « Les traités-cadres : une technique juridique caractéristique du droit international de l'environnement », AFDI, ۱۹۹۳.
۲۸. Stephen C. McCaffrey, "The Evolution of the Law of International Watercourses" , Austrian Journal of Public and International Law, N ٤٥, Springer-Verlag, ۱۹۹۳.
۲۹. http:// www.doe.ir/portal/ghavanin.
http://www.ghavanin.ir/detail.asp?id=۲۲۸۹۹
۳۰. http://rc.majlis.ir/fa/law/show/۹۱۹٤۷
۳۱. http://www.ghavanin.ir/detail.asp?id=٦۹۹۷.